



نیاز جهان به امام زمان عجلتعالی

محمد مولوی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نیاز جهان به امام زمان علیہ السلام

نگاهی اجمالی

به احادیث کتاب الحجّة اصول کافی

«محمد مولوی»



-
- | | |
|--------------|---|
| ■ نام کتاب: | □ نیاز جهان به امام زمان <small>علیه السلام</small> |
| ■ مؤلف: | □ محمد مولوی |
| ■ ناشر: | □ انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| ■ تاریخ نشر: | □ زمستان ۱۳۸۵ |
| ■ نوبت چاپ: | □ اول |
| ■ چاپ: | □ سرور |
| ■ تیراژ: | □ ۳۰۰۰ جلد |
| ■ شابک: | □ ۹۶۴ - ۹۷۳ - ۰۱۴ - ۱ |
| ■ قیمت: | □ ۶۵۰ تومان |
-

- | | |
|---|------------------------------|
| ■ مرکز پخش: | □ انتشارات مسجد مقدّس جمکران |
| ■ فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران | |
| ■ تلفن و نمابر: | □ ۰۲۵۱ - ۷۲۵۳۳۴۰ ، ۷۲۵۳۷۰۰ |
| ■ قم - صندوق پستی: | □ ۶۱۷ |

﴿حق چاپ مخصوص ناشر است﴾

فهرست مطالب

مقدمه	۹
آیا مردم قدر و منزلت امام <small>علیه السلام</small> و جایگاه امامت را می دانند؟	۹

فصل اول: کلیات

تعریف امامت	۱۳
تفسیر واژه امام از دیدگاه شهید مطهری <small>رحمته الله علیه</small>	۱۳
ضرورت و اهمیت امام شناسی	۱۴
الف: دلیل عقلی	۱۴
ب: دلیل نقلی	۱۵

فصل دوم اضطرار و نیاز به حجت الهی و امام معصوم علیه السلام

ضرورت امامت	۱۹
اهداف حکومت	۱۹
قلمرو حکومت	۲۱
خالی نبودن زمین از حجت خدا	۲۳
امامان <small>علیهم السلام</small> ارکان زمین هستند	۲۴

فصل سوم عظمت امامت

- مقام امامت ۲۹
- نصب و انتخاب امام علیه السلام از جانب خداوند ۳۰
- امام علیه السلام پیوسته از الهام و امداد غیبی بهره‌مند است ۳۱
- امام علیه السلام شریک علم پیامبر صلی الله علیه و آله است ۳۲
- درک جایگاه امامت ۳۳
- اقرار به ولایت و امامت در عالم ذر ۳۴
- کیفیت آفرینش ارواح شیعیان از ارواح ائمه: ۳۵

فصل چهارم: اوصاف و ویژگی‌های امام علیه السلام

- امام علیه السلام دارای عصمت است ۴۲
- توضیح مطلب؛ ۴۳
- شایستگی بیعت در انحصار معصوم علیه السلام ۴۴
- امام علیه السلام یگانه زمان خود ۴۶
- کیفیت انتقال منصب امامت، از امام قبل به امام بعد ۴۷
- امام پیشین علیه السلام به امر خدا امام بعد را معرفی می‌کند ۴۸
- نحوه آگاهی امام علیه السلام از درگذشت امام قبل از خود ۴۹
- علم امام علیه السلام همیشگی است ۵۰
- جهات سه گانه علم امام علیه السلام ۵۱
- امام علیه السلام هرگاه بخواهد چیزی را بداند، خدا به او می‌آموزد ۵۲
- علم و قدرت فوق‌العاده امام علیه السلام و مظلومیت او ۵۲

تقیّه امام علیه السلام برای رعایت حال شیعیان ۵۴

فصل پنجم شأن و منزلت امام علیه السلام

- امام علیه السلام ناظر و شاهد بر خلق ۵۹
- امام علیه السلام وارث همه انبیاء علیهم السلام است ۶۲
- امام علیه السلام به همه کتب آسمانی به هر زبانی که باشد آگاهی دارد ۶۴
- امام علیه السلام مخاطب وحی و حامل قرآن است ۶۵
- امام علیه السلام مترجم حقیقی وحی الهی ۶۶
- امام علیه السلام ولی امر خدا و خزانه دار علم اوست ۶۸
- وجوب اطاعت امام علیه السلام ۶۸

فصل ششم: آثار امامت

- استقرار و ثبات زمین به برکت وجود امام علیه السلام ۷۴
- امام علیه السلام واسطه فیض الهی ۷۴
- اعجاز و کرامت امام علیه السلام ۷۵
- امام علیه السلام هدایت‌گر انسان‌ها ۷۷
- امام علیه السلام حجّت خدا بر خلق ۷۸
- نتیجه کوتاهی در شناخت و پذیرش امام علیه السلام ۷۹

فصل هفتم: امامت مهدی موعود علیه السلام

- پیشینه مهدی باوری ۸۳

- «مهدی باوری» ایده فرا اسلامی و جهانی ۸۳
- الف) کتب مقدس یهودیان ۸۷
- ب) اناجیل نصاری ۸۸
- ج - کتب مقدس زردشتیان ۸۸
- سیمای مهدی موعود علیه السلام در آیینه ثقلین ۹۱
- منجی موعود در قرآن ۹۱
- مهدی موعود علیه السلام در احادیث ۹۵
- راویان احادیث المهدی علیه السلام از صحابه ۹۵
- اخبار معصومین علیهم السلام از مهدی موعود علیه السلام ۹۶
- ولادت حضرت مهدی موعود علیه السلام ۹۷
- معرفی مهدی موعود علیه السلام ۹۸
- کتابنامه ۱۰۳
- کتابشناسی ۱۰۵

مقدمه

آیا مردم قدر و منزلت امام علیه السلام و جایگاه امامت را می دانند؟

برای دریافت این پاسخ، لازم است تا به بخشی از حدیث امام رضا علیه السلام که در

ضمن حدیث مفصلی آمده است توجه، فرمایید:

إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَى مَكَانًا وَأَمْنَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرَائِهِمْ أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ...^۱ همانا قدر و منزلت و جایگاه امامت، برتر و والاتر از آن است که با عقل و اندیشه عادی بتوان آن را شناخت یا با رأی و نظر مردم آن را به دست آورد یا به تعیین و انتخاب مردم آن را تعیین کرد....

اما باید توجه داشت، این مطلب نباید موجب آن شود که انسان به دنبال شناخت امام علیه السلام و امامت در حد عقل و توان خویش نرود؛ بلکه وظیفه ایجاب می کند هر انسان عاقل و مکلف در حد وسع خود در پی امام شناسی که اصلی از اصول دین است برود.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشارم

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم بقدر تشنگی باید چشید

بنابراین در کتاب حاضر، به مباحثی دربارهٔ تعریف امامت، ضرورت و اهمیت امامت و امام شناسی، آثار امامت، اوصاف و ویژگی‌های امام علیه السلام، شؤون امام علیه السلام و... با الهام گیری از احادیث وارده از معصومین علیهم السلام در کتاب «الحجّة» که در زمان غیبت صغری تألیف شده و از اعتبار خاصی برخوردار است، پرداخته و روایات مربوطه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کتاب «الحجّة» بیش از ۱۳۰ باب دارد، که حاوی ۱۰۱۵ حدیث از معصومین علیهم السلام می‌باشد.^۱

امید است بیش از همه برای نگارنده در معرفت امام عصر علیه السلام، مفید واقع شود، ان شاء الله.

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح

ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

محمد مولوی

۱. همان، ج ۱، ص ۲۳۶ تا آخر کتاب، و ج ۲، از ابتدا تا انتها (ص ۵۰۵)، مربوط به کتاب الحجّة است.

■ فصل اوّل

کلیّات

تعریف امامت

راغب در «کتاب مفردات» واژه «امام» را چنین تفسیر کرده است:
«الْإِمَامُ الْمُؤْتَمُّ بِهِ إِنْسَانًا كَانَ يَقْتَدِي بِقَوْلِهِ أَوْ فِعْلِهِ، أَوْ كِتَابًا أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ، مُحِقًّا كَانَ أَوْ مُبْطِلًا، وَجَمْعُهُ أَيْمَةٌ»؛^۱

«امام عبارت است از چیزی که می‌بایست پیروی شود، حال تفاوتی نمی‌کند که آن چیز، انسان باشد که از لحاظ گفتار و یا کردار مورد پیروی قرار گیرد و یا این که کتاب و یا چیز دیگر باشد. همچنین در صدق این واژه تفاوت نمی‌کند که آنچه مورد پیروی قرار می‌گیرد، حق باشد و یا باطل...»^۲

تفسیر واژه امام از دیدگاه شهید مطهری رحمته الله

«کلمه «امام» یعنی پیشوا، کلمه «پیشوا» در فارسی، همان ترجمه تحت‌اللفظی کلمه «امام» در عربی است.
خود کلمه امام یا پیشوا مفهوم مقدسی ندارد. پیشوا یعنی کسی که پیشرو است و عده‌ای تابع و پیرو او هستند. اعم از آن که آن پیشوا، عادل و راه یافته و درست رفتار باشد یا باطل و گمراه.
در این زمینه، قرآن کلمه امام را در هر دو مورد اطلاق کرده است:

۱. مفردات راغب، ص ۲۴.

۲. فلسفه امامت و رهبری، ص ۹.

در یک جامی فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ...»؛^۱
 «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کنند...».
 و در جای دیگر می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ
 الْقِيَامَةِ لَا يُنصُرُونَ...»؛^۲

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش (دوزخ) دعوت می‌کنند...».

پس کلمه امام یعنی پیشوا...».^۳

بابی نیز در همین خصوص؛ که پیشوایان دو دسته‌اند (پیشوای نور
 و پیشوای آتش) در کتاب کافی است که دو حدیث در این مورد اختصاص
 داده شده است.^۴

ضرورت و اهمیت امام‌شناسی

امامت در مکتب تشیع، اهمیت ویژه‌ای دارد و به عنوان یک اصل اساسی،
 در عقاید پیروان این مکتب، مطرح می‌گردد.

به دو دلیل عقلی و نقلی، تحقیق برای شناخت امام علیه السلام از واجبات است؛

الف: دلیل عقلی

«تحقیق برای شناختن امام علیه السلام از این جهت واجب و لازم است که حداقل
 هر کس این احتمال را می‌دهد که خدای متعال برای رهبری مردم، پس از
 پیامبر صلی الله علیه و آله شخصی را تعیین و اطاعت از او را واجب کرده باشد.

۱. سوره انبیاء، آیه ۷۳.

۲. سوره قصص، آیه ۴۱.

۳. امامت و رهبری، ص ۴۶.

۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۵۶۱، ۵۶۲.

با این احتمال، به حکم عقل موظفیم پیرامون آن به تحقیق بپردازیم و او را شناسایی نماییم؛ زیرا اگر در این وظیفه مسامحه کنیم، و چنین شخصی وجود داشته باشد و ما او را نشناخته باشیم، عذری نخواهیم داشت، پس الزام عقلی و وجدانی داریم که دنبال این احتمال را بگیریم تا به نفی یا اثبات آن برسیم. همین بیان، در لزوم تحقیق برای شناخت خداوند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز جاری است، و هیچ کس از این که در برابر این گونه مسائل بی تفاوت بماند معذور نیست و باید برای هر یک از پرسش های ذیل پاسخ داشته باشد:

۱- صاحب این جهان و آفریننده آن کیست؟

۲- زندگی و حیات، و به طور کلی عالم هستی پوچ و لغو و باطل و ناامید کننده آفریده شده یا با محتوا، برحق و امیدبخش و در مسیر بقا و کمال قرار دارد؟

۳- خدا بندگان را با همه نیازی که به هدایت و راهنمایی دارند چگونه هدایت کرده است، آیا به همان هدایت های عقلی و فطری اکتفا نموده، یا علاوه بر آن پیامبرانی را با برنامه های اعتقادی، اخلاقی و عملی برای هدایت آنان فرستاده و با این کار، لطفش را برای آنان کامل کرده است؟

۴- آیا برای رهبری بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، افرادی را معین کرده است؟ و اگر معین کرده، افراد تعیین شده چه کسانی هستند؟

این پرسش ها خود بخود برای هر انسانی مطرح می شود؛ گرچه کسی او را متوجه به این سؤالات نکند.

ب: دلیل نقلی

در مورد لزوم شناخت امام علیه السلام قرآن و احادیث نیز دلالت و صراحت دارند.

فرآن کریم می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر صلی الله علیه و آله و اولی الامر علیهم السلام را نیز اطاعت کنید».

روشن است طبق این آیه اطاعت از ولی امر واجب است، و این کار بدون شناخت او ممکن نیست، از این رو شناختن امام علیه السلام که همان ولی امر است واجب می باشد، و هیچکس در ترک شناخت و معرفت امام علیه السلام معذور نیست.

در احادیث نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمودند:

«مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^۲

«هر کس بمیرد در حالی که امام خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است».

از این روایت که به تعبیرهای مختلف و با سند مطمئن در کتاب‌های حدیث ضبط شده است لزوم تحقیق پیرامون امام علیه السلام و شناخت او به خوبی استفاده می شود».^۳

قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی^۴

۱. سوره نساء، آیه ۵۹.

۲. کلینی رحمته الله علیه، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۹۷۱، (کتاب الحجّه).

۳. استادی، رضا، امامت، ص ۱۱، درس دوم.

۴. حافظ.

■ فصل دوّم

اضطرار و نیاز

به حجّت الهی و امام معصوم علیه السلام

ضرورت امامت

«امام علیه السلام شؤونی دارد^۱ که یکی از آنها، پیشوایی و رهبری جامعه است. امامت که همان پیشوایی و جلوداری است، طرح سیاسی شیعه برای اداره جامعه است. در نگاه شیعه؛ آدمی، هم چنان که نیاز به وحی دارد، نیاز به امام معصوم علیه السلام نیز دارد.

این اضطرار و ضرورت از راه‌های مختلفی قابل استدلال است. آنچه در اینجا آورده می‌شود، نگاه به این مسأله از منظر دیگری است. در این نگاه، ضرورت امامت و اضطرار به حجّت از دو طریق دیگر بررسی شده است؛ نخست، اهداف حکومت و دیگری، قلمرو حکومت.

اهداف حکومت

امروزه اهداف حکومت‌ها، در آزادی و امنیت ظاهری و رفاه و بهداشت و آموزش خلاصه می‌شود. اگر اهداف حکومت‌ها فقط همین‌ها باشد، احتیاجی به امامت و رهبری از دیدگاه شیعه نیست و همان شورا و انتخاب، راه‌گشا است؛ اما اگر اهداف حکومت را رشد انسان‌ها در تمامی ابعاد و استعدادها بدانیم یعنی همان که قرآن گوشزد می‌کند،^۲ تا این‌که به آدمی

۱. آن‌ها وسیله هدایت، بیان، امن، کرامت، نور، فلاح، ذکر، رحمت و بشارت هستند. آن‌ها

شهداء، هداة، ولایة، مبشر، نذیر، فرمان فرما، معلم و حامل وحی هستند. رک؛ اصول کافی،

ج ۱، کتاب الحجّة، ترجمه، سید جواد، مصطفوی، صص ۲۸۳ - ۲۹۰، ح ۵۱۸.

۲. قرآن کریم: «وَهَيَّيْءَ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشْدًا» (کهف، ۱۰): «أَزَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشْدًا» (جن، ۱۰)».

بیاموزند که چگونه با حواس، احساس، فکر، عقل و خیال خود برخورد کند و به او هدایت قرآن را ارزانی کنند و او را برای تمامی راه‌های کمال آماده سازند آن وقت چاره‌ای جز پیوند با امامت شیعه و امام معصوم علیه السلام ندارد. این رهبری و سرپرستی، هدفی بالاتر از امنیت و پاسداری و بالاتر از رفاه و پرستاری دارد. این رهبری با هدف آموزگاری و شکوفا کردن استعداد های انسان و با هدف تشکیل جامعه انسانی بر اساس قسط^۱ همراه است.

حکومت‌هایی که جامعه انسانی را تا سرحد یک جامعه حیوانی پایین می‌آورند، نه تنها به وحی، کتاب، پیامبر و امام علیه السلام نیازی ندارند بلکه عقل که قوه سنجش و انتخاب است را لازم ندانسته و معتقدند که وجود عقل هم لزومی نداشته و تنها غرایز و تجربه برای انسان کافی است....

اگر اهداف حکومت را هدایت انسان در تمامی ابعاد حس، فکر، عقل و روح او بدانیم، آن وقت باید به کسی روی بیاوریم که به این ابعاد آگاه و از تمامی کشش‌ها و جاذبه‌ها آزاد است. و ترکیب آگاهی و آزادی همان عصمتی است که در فرهنگ سیاسی شیعه مطرح است و عصمت، ملاک انتخاب حاکمی است که مردم به آن راه ندارند؛ چون نه از دل‌ها آگاهند و نه بر فردا مسلط هستند.

امام علیه السلام از ما به ما و مصالح‌مان آگاه‌تر و مهربان‌تر است. چون آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و محدود نیست.

۱. قسط غیر از عدل و بالاتر از آن است. عدل در برابر ظلم و قسط در برابر جور است. عدل به معنای مساوات و در شرایط یکسان، مساوی برخورد کردن است و قسط به معنای بهره و نصیب است... ر.ک؛ مجله انتظار، ش ۱، ص ۶۴، پی نوشت، ۱۶.

قلمرو حکومت

قلمرو حکومت تا کجاست؟ آیا تنها در محدوده خانه و جامعه و هفتاد سال زندگی دنیایی مان است یا در وسعت هستی و تا بی نهایت عمر انسان می باشد؟ اگر تنها در محدوده دنیا باشد، نه تنها هیچ نیازی به امام علیه السلام نیست بلکه به وحی و کتاب و پیامبر صلی الله علیه و آله هم نیازی نیست؛ چون این محدوده، نیاز به این همه استعداد های فردی و اجتماعی و عالی ندارد بلکه غرایز انسانی آن را کفایت می کند؛ اما برای انسان نامحدود و مرتبط با تمامی عوالم متیقن چاره ای جز پیوند با علومی که به تمامی این مجموعه آگاه باشد، نیست.

عمر آدمی همین هفتاد سال دنیا نیست پس قلمرو حکومت بر آن وسیع تر از آن و خانه و جامعه و دنیاست و حاکمی می خواهد که بر این مجموعه آگاه باشد و بر این مجموعه مسلط گردد.

واقعیت این است که انسان در هستی و کل نظام جهانی مطرح است. مسأله این است که انسان هم استمرار دارد و هم در این استمرار اتصال و پیوند دارد، پیوندی با جامعه و کل نظام هستی.

این تنگ چشمی است که انسان فقط در محدوده جامعه و هفتاد سال دنیا مطرح شود، همین طرح غلط و محدود است که دیدگاه او را در مسأله حکومت و رهبری محدود و تاریک می سازد. اگر این دید... را کنار بگذاریم و انسان را در کل هستی مطرح کنیم، ناچار این انسان با این پیوند و ارتباط به حکومتی نیاز دارد که هماهنگ با نظام هستی باشد و به حاکمی نیاز دارد که آگاه به این نظام باشد و به قانونی نیاز دارد منبث از این نظام و واقعیت. این چنین حکومت و قانون و حاکمی، مردمی، انسانی، واقعی و حقیقی خواهد

بود. در این دیدگاه و با این بینش وسیع و مترقی است که طرح امامت شیعه جان می‌گیرد و فهمیده می‌شود. در این بینش، حکومت، امامت است و حاکم، امام معصوم و قانون، قانونی هماهنگ با کل نظام هستی.

خدا برای انسانی که در هستی طرح شده و با کل نظام رابطه دارد، حاکمی انتخاب کرده که او را با ملاک عصمت، یعنی آگاهی و آزادی همراه ساخته است تا در هر دوره، آن‌ها که می‌خواهند به پا خیزند و مهره‌هایش را فراهم سازند.

امامت، طرح آن‌هایی است که در این چهار چوب دنیا نمانده‌اند و انسان را در جایگاه والای اشرف مخلوقات مطرح کرده‌اند و امام علیه السلام جلودار کسانی است که جلوتر از زمان را می‌خواهند. چون امام علیه السلام بر اساس واقعیت‌هایی، حکومت و رهبری می‌کند که هنوز علوم انسانی آن را کشف نکرده‌اند و جلوتر از علم و زمان و آگاهی انسان است؛ چون وجود چنین امامی ضرورت دارد. پس وجود دارد و چنین امامی را تو باید بشناسی و زمینه ساز آمدنش باشی.

با این بینش، تولد چنین امامی یک ضرورت است، حتی اگر تمامی تاریخ بر آن بشورند و تمامی قدرت‌ها و حکومت‌هایی که در چارچوبه منافع خویش و یا در محدوده هفتاد سال دنیا حکمران هستند و انسان‌ها را به بیگاری کشیده‌اند و آن‌ها را تا سر حدّ یک جامعه دام‌پروری به ابتذال کشانده‌اند و در مداری بسته به چرخ انداخته‌اند، آن را نخواهند.

این امام ضرورت دارد پس وجود دارد.

ما تولد چنین امامی را پیش از آن که از دهان تاریخ و شهادت تاریخ

بشنویم، از شهادت همین ضرورت شنیده‌ایم و باور کرده‌ایم که انسان در این هستی، پیوند و رابطه دارد و به این رابطه‌ها آگاهی ندارد. پس رسالتی می‌خواهد و امامتی؛ رسالتی که قانون این رابطه‌ها را بیاورد و امامتی که در هر نسل جلودار آن‌ها و امام زمان‌شان باشد.

کسانی که این گونه ضرورت نیاز به ولی را احساس کرده‌اند، می‌توانند از جان و مال خود در راه این حق عظیم و پیمان الهی بگذرند و هستی خود را فدای امام علیه السلام کنند... که بدون ولی، زندگی محدود و کور است و با وجود او مرگ، استمرار و حیاتی جاوید است.^۱

این پیشش، آثار زیادی دارد و نه تنها بر انتظار ما از حجت و انتظار ما برای حجت مؤثر است که بر تربیت و اخلاق و سیاست و حقوق و اقتصاد نیز تأثیرگذار است و تربیت و اخلاق دیگری را می‌طلبد...^۲

به لحاظ اهمیت موضوع، اولین باب کتاب الحجّة اصول کافی نیز با عنوان «بابُ الْأِضْطِرَارِ إِلَى الْحُجَّةِ» نام‌گذاری شده، و در این زمینه احادیثی استدلالی و مفصل در این باب آورده شده است.^۳

خالی نبودن زمین از حجت خدا

وجود امام علیه السلام و حجت خدا همیشگی است؛ تا جهان باقی باشد و انسانی وجود داشته باشد، حتماً امامی از جانب خدا در آن وجود خواهد داشت. بنابراین جهان هستی هرگز حتی برای لحظه‌ای بدون امام معصوم علیه السلام و حجت نخواهد بود.

۱. «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً». بحارالانوار ج ۶۵، ص ۱۳۷، به نقل از مجله انتظار، ش ۱، ص ۶۴.

۲. پور سید آقایی، مسعود، مقاله مبانی اعتقادی مهدویت (۱)، مجله انتظار، ش ۱، صص ۵۴، ۶۴.

۳. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجّة، صص ۲۳۶-۲۴۵، ح ۱-۵.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«لَوْ أَنَّ الْأِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ»^۱؛

«اگر لحظه‌ای زمین بی امام علیه السلام بماند، زمین با اهلس مضطرب گردد و همانند دریای موج و ناآرام خواهد شد.»

سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار؟ در گردشند بر حسب اختیار دوست
«حافظ»

در این خصوص نیز بابی در کتاب شریف کافی، آمده که دارای ۱۳ حدیث می‌باشد.^۲

و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ»^۳؛

«اگر در زمین جز دو نفر باقی نباشند یکی از آن دو امام علیه السلام و حجّت است.»

و به همین مضمون چند روایت دیگر تحت بابی با عنوان حدیث فوق، نیز آمده است که در پاورقی ارجاع داده‌ایم.^۴

امامان علیهم السلام ارکان زمین هستند

در اصول کافی بابی با همین عنوان باز شده، که شامل ۳ حدیث مفصل و جامع می‌باشد. در این باب به نقل از معصومین علیهم السلام آمده است: به آنچه

۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۴۵۳، و روایت‌های ۴۴۲-۴۵۲، صص ۲۵۱-۲۵۳.

۲. همان، ج ۱، صص ۲۵۱-۲۵۳، روایت‌های ۴۴۳-۴۵۴.

۳. همان، ص ۲۵۳، ح ۴۵۵، و نیز ح ۴۵۷، فرموده آخرین فردی که می‌میرد امام علیه السلام است.

۴. همان، روایت‌های ۴۵۶-۴۵۹، صص ۳۵۳ و ۳۵۴.

علی علیه السلام آورده اطاعت و از آنچه نهی فرموده باز می ایستیم یعنی مطیع محض هستیم، هر فضیلتی که برای محمد صلی الله علیه و آله باشد برای او نیز هست و هر که بر علی علیه السلام خرده بگیرد بر خدا و رسولش صلی الله علیه و آله خرده گرفته، و هر کس در موضوعی کوچک یا بزرگ علی علیه السلام را رد کند در مرز شرک بخداست، امیرالمؤمنین علیه السلام باب منحصر خدا شناسی است و راه به سوی رسیدن بخداست، هر که جز این راه را پیوید هلاک شود، و این امتیازات نیز برای ائمه هدی علیهم السلام یکی پس از دیگری جاریست. در ادامه روایت اول باب چنین آمده است:

«عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ... جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا وَحُجَّتُهُ الْبَالِغَةُ عَلَيَّ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَىٰ وَ...»^۱

«مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: ... خداوند ایشان - ائمه علیهم السلام - را ارکان زمین قرار داده تا زمین اهلس را نجنباند (اختلال در نظام و سرگردانی عمومی پیش نیاید) و حجت رسای خویش قرار داد برای مردم روی زمین و زیر خاک (مردگان یا ساکنان آن روی زمین) ...»^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۵۱۵، و نیز دو حدیث بعد.

۲. ر.ک؛ به کتاب *مِرَاةُ الْعُقُولِ*، علامه مجلسی رحمته الله، ج ۲، ص ۳۶۶، در شرح این حدیث و احادیث باب مطالب جالبی بیان فرمودند.

■ فصل سوم

عظمت امامت

مقام امامت

این مقام منیع و رفیع، مربوط به یک استعداد و لیاقت ویژه‌ای است، که یک شایستگی خدادادی می‌باشد. و لذا اکتساب شخص، یا انتخاب و انتصاب مردم، در تحقق آن نقشی ندارد.

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در این خصوص می‌فرمایند:

«... مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَلَا اِكْتِسَابٍ، بَلْ اِخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضَلِ الْوَهَّابِ، فَمَنْ ذَا الَّذِي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْاِمَامِ، اَوْ يُمَكِّنُهُ اِخْتِيَارَهُ، هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ!!»^۱

«... آری امام علیه السلام همه فضایل و کمالات خود را از فضل و فیض بی پایان حق داراست، بدون خواهش و تلاش با این وصف، چه کسی را رسد که امام علیه السلام را چنان‌که باید بشناسد، یا از انتخاب و نصب امام علیه السلام دم زند؟ ذهی گمان نادرست و خیال باطل!!»^۲

(بعضی از بزرگان فرمودند: هیئات دوّم تکرار هیئات اوّل نیست، بلکه هیئات اوّل یعنی «بُعْدَ الْعُقُولِ اِلَى مَعْرِفَةِ الْاِمَامِ علیه السلام» و هیئات دوّم یعنی «بُعْدَ الْاِخْتِيَارِ الْاِمَامِ علیه السلام» یعنی انتخاب امام علیه السلام از سوی خداوند است نه از سوی مردم).^۳

۱. کلینی رحمته الله، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷، کتاب الحجّه، ح ۵۱۸ و ۴۹۵.

۲. اقتباس از کتاب فلسفه امامت، یثربی، یحیی، ص ۱۷.

۳. علامه مجلسی رحمته الله، محمدباقر، «مِرَاةُ الْعُقُولِ فِي شَرْحِ اَخْبَارِ اَلرُّسُولِ صلی الله علیه و آله»، (شرح اصول

کافی)، ج ۲، ص ۳۸۶، شرح حدیث ۵۱۸، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹.

بعضی از مردم، امامان علیهم السلام را با خود مقایسه می‌کنند!!

گفته اینک ما بشر، اینان بشر ما و ایشان بسته خوابیم و خور

این ندانستند ایشان از عما هست فرقی در میان بی‌انتها

«مولوی»

نصب و انتخاب امام علیه السلام از جانب خداوند

چنان‌که گفته شد امام علیه السلام از حیث درجه و جودی، بالاترین مقام را داشته، امامت و صفات امام علیه السلام از این درجه و جود، سرچشمه می‌گیرند. و انتخاب و انتصاب مردم در تحقق آن نقشی نخواهد داشت. در این رابطه امام رضا علیه السلام چنین می‌فرمایند:

«... هَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَمَحَلِّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزَ فِيهَا إِخْتِيَارُهُمْ؟! إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَأَعْظَمُ شَأْنًا وَأَعْلَى مَكَانًا وَأَمْنَعُ جَانِبًا وَأَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا أَوْ يَقِيمُوا إِمَامًا بِإِخْتِيَارِهِمْ... فَمِنْ أَيْنَ يَخْتَارُ هَؤُلَاءِ الْجُهَّالُ؟! إِنَّ الْإِمَامَةَ هِيَ مَنَزَلَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِرْثُ الْأَوْصِيَاءِ، إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ وَخِلَافَةُ الرَّسُولِ صلوات الله عليه وَمَقَامُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَمِيرَاثُ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ علیهما السلام... الْحَدِيثُ»؛^۱

«آیا مردم، شأن و منزلت و جایگاه امامت را، در میان امت، بدرستی می‌دانند تا در انتخاب و گزینش آن، اجازه و حق دخالت داشته باشند؟! امامت، از لحاظ شأن، جایگاه، اهمیت و عظمت بسی برتر و بالاتر از آن است که مردم تنها با میزان عقل و اندیشه خود، به آن رسیده، با رأی و انتخاب خویش آن را تعیین نموده و برپا دارند... و لذا این گروه نادان و بی‌خرد چگونه و به چه دلیل برای

۱. ر.ک؛ کلینی رحمته الله، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، صص ۲۸۴ - ۲۹۰، حدیث ۵۱۸

خود امام علیه السلام انتخاب می‌کنند؟! همانا جایگاه امامت، جایگاه پیامبران علیهم السلام بوده و این مقام میراث او صیای ایشان است. امامت، خلافت و جانشینی پیامبر صلوات الله علیه و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهم السلام است.

کلینی رحمه الله در «کتاب الحجّة» اصول کافی بابی تحت عنوان «کسانی را که خدا از میان بندگان برگزیده و قرآن را به ارثشان داده، ائمه علیهم السلام می‌باشند» شامل ۳ حدیث اختصاص داده است.^۱

امام علیه السلام پیوسته از الهام و امداد غیبی بهره‌مند است

امام علیه السلام به طور مستمر، با امدادهای غیبی مورد حمایت و تأیید قرار می‌گیرد. و از این روست که امام علیه السلام در هر عصری، از بالاترین درجه علمی برخوردار است و از همه مصالح و اسرار لازم برای سعادت دنیا و آخرت مردم آگاهی دارد. به حدیث ذیل در این زمینه توجه فرمایید:

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید:

«وَالْإِمَامُ... مُضْطَلَعٌ بِالْإِمَامَةِ، عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ... نَاصِحٌ لِعِبَادِ اللَّهِ، حَافِظٌ لِدِينِ اللَّهِ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَئِمَّةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ يُوقِّفُهُمُ اللَّهُ وَيُؤْتِيهِمْ مِنْ مَخْزَنِ عِلْمِهِ وَحِكْمِهِ مَا لَا يُؤْتِيهِ غَيْرُهُمْ، فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ...»^۲

«امام علیه السلام ... در امامت، قوی و در سیاست، عالم است... خیرخواه بندگان خدا، و نگهبان دین است، خدا پیغمبران و امامان علیهم السلام را توفیق بخشیده و از خزانه علم

۱. همان، ج ۱، ص ۳۱۱، ۳۱۲. احادیث ۵۵۷-۵۶۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۸۹، ادامه ح ۵۱۸.

و حکمت‌های خود، آنچه به دیگران نداده به آنان داده‌است، از این جهت علم آنها برتر و بالاتر از علم مردم زمانشان می‌باشد...».

تأیید و حمایت امام علیه السلام از غیب و آگاهی او بر اسرار و مصالح دنیا و آخرت مردم، در ضمن روایت‌های دیگر نیز آمده‌است که برای رعایت اختصار، از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم، تنها آدرس آنها را در پاورقی بیان می‌کنیم.^۱

در روایتی از امام سجّاد علیه السلام نیز چنین آمده‌است:

«... فَإِنَّ أَعْيَانَنَا شَيْءٌ تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ الْقُدُسِ»^۲؛

«... اگر در چیزی دریمانیم، روح القدس آن را به ما القاء می‌کند».

امام علیه السلام شریک علم پیامبر صلی الله علیه و آله است

در این رابطه احادیثی معروف به حدیث انار از صادقین (امام باقر و امام صادق علیهما السلام) در کافی نقل شده‌است که به ذکر یکی از آنها اکتفا می‌کنیم.

محمد بن مسلم می‌گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می‌فرمودند: جبرئیل علیه السلام برای محمد صلی الله علیه و آله از بهشت دو انار آورد، پس علی علیه السلام او را -بلافاصله- کرد و گفت:

این دو انار که در دست داری چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اما این یکی نبوت است که تو از آن بهره‌ای نداری، و اما این یکی علم است، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را دو نیمه کردند، نیمی را به

۱. رک؛ همان، کتاب الحجّه، صص ۲۸۳-۲۹۳، ۳۰۹-۳۱۱، روایتهای ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۵۱-۵۵۶.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۱۰۳۴؛ و نیز صص ۱۴-۲۰، حدیث‌های ۷۰۵-۷۱۶. راجع به روح (فرشته) بحث جالبی دارند؛ از جمله در حدیث ۷۱۱، از امام باقر علیه السلام نقل شده، که آفریده‌ای است از آفریده‌های خدا بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل علیهم السلام که همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود، او را خبر می‌داد و یاری می‌رساند، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله همین فرشته، با امام هر عصری همراه خواهد بود.

علی علیه السلام دادند و نیمی را خود گرفتند (تناول فرمودند)، سپس فرمودند: در این (انار)، تو با من شریک هستی و من با تو شریکم.

سپس امام باقر علیه السلام در دنباله روایت انار چنین فرمودند:

«قَلَمُ يَعْلَمُ وَاللَّهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَرْفًا مِمَّا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمَهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ انْتَهَى الْعِلْمُ إِلَيْنَا، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ»؛^۱

«به خدا سوگند که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آنچه خدایش به او تعلیم فرمود، حرفی نیاموخت مگر این که آن را به علی علیه السلام تعلیم داد، سپس آن علم به ما رسید. آن گاه حضرت باقر علیه السلام دست مبارکش را بر سینه خود نهادند.»

درک جایگاه امامت

معرفت مقام و منزلت و شأن امام علیه السلام کار هر کسی نیست، شایستگی و آمادگی بسیار نیاز دارد. به حدیث ذیل توجه فرمایید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَضْعَبٌ، لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا صَدُورٌ مُنِيرَةٌ، أَوْ قُلُوبٌ سَلِيمَةٌ أَوْ أَخْلَاقٌ حَسَنَةٌ...»؛^۲

«شأن و کار ما، سخت، سنگین و دشوار است، جز دلهای پاک و روشن و سینه‌های صاف و نورانی و اخلاق‌های نیکو، کسی را یارای تحمل آن نیست...».

در حدیثی دیگر از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

۱. همان، ج ۱، ص ۳۹۲، ۳۹۳، ح ۶۸۰-۶۷۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۰۴۶.

«تَحْمَلُ امْرَءًا حَتَّىٰ بِرَأْسِهَا فَرَشْتَهُ مَقْرَبٌ نِيزِ سَخْتٍ وَ سَنَكِينٍ اسْت.»^۱
 قابل ذکر است؛ به لحاظ اهمیت موضوع، مرحوم کلینی رحمته الله بابی در
 «کِتَابُ الْحُجَّةِ» اصول کافی تحت عنوان: «فِي مَا جَاءَ أَنَّ حَدِيثَهُمْ صَعْبٌ
 مُسْتَصْعَبٌ» شامل ۵ حدیث نسبتاً مفصل، اختصاص داده است، مراجعه فرمایید.^۲
 مولوی بارها این نکته را، در مثنوی مورد تأکید قرار می دهد؛ از قبیل: «جان
 شو و از راه جان، جان را شناس»... یا: «پس قیامت شو، قیامت را ببین / دیدن
 هر چیز را شرط است این»...

روح زیبا چونکه وارست از جسد	از قضا بی شک چنین چشمش رسد
صد هزاران غیب پیشش شد پدید	آنچه چشم محرمان بیند بدید
آنچه او اندر کتب برخوانده بود	چشم را بر صورت آن بر گشود ^۳

اقرار به ولایت و امامت در عالم ذر

اگر چه شناخت و دستیابی به شأن و مقام امام علیه السلام و امامت طبق احادیث
 امامان علیهم السلام کار بسیار مشکلی است. ولی در جای خود ضرورت شناخت امام علیه السلام در
 حدّ توان و پیروی از آن، اقرار به و امامت و ولایت ثابت و مسلم است. تا
 انسان در دام سلطه مدعیان دروغین امامت گرفتار نگردد، و به خاطر کوتاهی
 در معرفت به مرگ جاهلیت از دنیا نرود. و بر عهد و میثاقی که خداوند از
 شیعیان در عالم ذر بر ولایت امامان علیهم السلام گرفت پایدار و وفادار بماند.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ح ۱۰۴۷.

۲. همان، ج ۲، صص ۲۵۳ - ۲۵۷، احادیث، ۱۰۴۴ - ۱۰۴۸.

۳. مثنوی، به نقل از؛ سید یحیی ینربی، فلسفه امامت، ص ۴۰، ۴۱.

در همین رابطه به نقل از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

«عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ شِيعَتِنَا بِالْوِلَايَةِ وَهُمْ ذُرِّيَّةُ يَوْمَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى الذَّرِّ وَالْإِقْرَارَ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَلِمُحَمَّدٍ صلی اللہ علیہ وسلم بِالنُّبُوَّةِ»^۱

«بُکیر بن آعین می گوید: امام باقر علیه السلام می فرمودند: خداوند در عالم ذر، از شیعیان ما پیمان و میثاق ولایت گرفت، آن گاه که به ربوبیت خود و نبوت محمد صلی اللہ علیہ وسلم پیمان و اقرار گرفت». (راجع به عالم ذر، در کتاب ایمان و کفر، اصول کافی بحث شده است).^۲

لذا معصومین علیهم السلام اقرار به ولایت و امامت را نیز، همچون اقرار به توحید و نبوت به عالم ذر ارتباط می دهند.

از دم صبح ازل تا آخر شام ابد

دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود

سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد

ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

«حافظ»

کیفیت آفرینش ارواح شیعیان از ارواح ائمه علیهم السلام

مرحوم کلینی رحمته اللہ علیہ در کافی بابی در این رابطه باز نموده، راجع به کیفیت آفرینش ائمه علیهم السلام و شیعیان شان که چند حدیث نقل کرده است.

می توان ادعا کرد که محبت و دوستی قلبی شیعیان نسبت به اهل بیت

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۱۱۷۲. و نیز احادیث، ۱۱۷۳ - ۱۱۸۰، مربوط به ولایت ائمه علیهم السلام است.

۲. رک: همان، ج ۳، از اول کتاب تا صفحه ۱۹، ترجمه و شرح، سید جواد، مصطفوی.

عصمت و طهارت علیه السلام از همین ارتباط روحانی و عهد و میثاق سرچشمه می‌گیرد. و نیز به این نکته اشاره دارد که می‌فرمایند: ارواح شیعیان ما با ارواح ما از یک مایه و طینت است.

مرا عهدیست با جانان که تا جان در بدن دارم

هواداران کویش را چو جان خویشتم دارم

«حافظ»

به عنوان شاهد مدعا به حدیث ذیل توجه فرمایید:

«عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلِيِّينَ وَخَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا وَخَلَقَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ، فَقُلُوبُهُمْ تَهْوِي إِلَيْنَا، لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقْنَا [مِنْهُ]، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ كِتَابٌ مَرْقُومٌ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ»،^۱ وَخَلَقَ عَدُوَّنَا مِنْ سَجِّينٍ وَ...»^۲

«ابو حمزه ثمالی می‌گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می‌فرمودند: همانا خداوند ما را از اعلی‌علیین آفرید، و دل‌های شیعیان ما را هم از همان چیز آفرید، و پیکرهای آنها را از درجه پایینش آفرید، از این رو دل‌های شیعیان به ما متوجه، و برای ما می‌تپد؛ زیرا از آنچه ما آفریده شده‌ایم، آفریده شده‌اند...» و سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: «اصلاً نامه نیکان در علیین است، تو چه می‌دانی علیین چیست؟ کتابی است نوشته شده که مقربان شاهد آنند» و دشمنان ما را از سجین آفرید و...».

۱. قرآن کریم، سوره مطففین (۸۳)، آیه، ۱۸ - ۲۱.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۴، ح ۱۰۰۸، واحادیث، ۱۰۰۵ - ۱۰۰۷، باب نیز در خصوص همین موضوع می‌باشد.

توضیح این‌که؛ روشن است که عَلَیْن و سَجِّین از چیزهایی است که خدای تعالی نخواسته، بشر آن را به نحو تفصیل بداند، از این‌رو به پیامبرش ﷺ می‌فرماید: تو چه می‌دانی علیین چیست؟ تو چه می‌دانی سجین چیست؟ بعد هم به کتاب نوشته شده توضیحش می‌دهد. دانشمندان و مفسران اسلامی نیز در معنی کلمه علیین اقوال و عقاید مختلف و محتملی؛ از قبیل: آسمان هفتم، بالاترین مکان، اشرف مراتب، اقرب مقامات به خدا، نامه عمل نیکوکاران و... ذکر نموده‌اند.^۱

چنان‌که از حدیث شریف استفاده می‌شود، چون ارواح شیعه از ارواح امامان خویش آفریده شده‌اند، قابلیت افاضه فیض را پیدا کرده و گرنه هر قلبی قابلیت دوستی و محبت اهل بیت پیامبر ﷺ را ندارد، چه این‌که در ادامه حدیث شریف فرمودند: دشمنان ما از سجین خلق شده‌اند و... حافظ چه شیرین می‌گوید:

گوهر پاک نباید که شود قابل فیض

ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

در جای دیگر نیز چنین می‌گوید:

بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود

این همه قول و غزل تعبیه منقارش

همچنین در برخی احادیث، امامان علیهم‌السلام نور خداوند عزوجل، و سبب

نورانیت قلوب پیروان و مؤمنان شمرده شده‌اند.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۳۲، ۲۳۴، شرح، ح ۱۰۰۵، ۱۰۰۸. ترجمه و شرح دانشمند محترم، سیدجواد مصطفوی.

در روایتی از امام باقر علیه السلام خطاب به اباخالد رضی الله عنه چنین آمده است:
 «...یا ابا خالد النور والله الأئمة علیهم السلام من آل محمد صلی الله علیه و آله... والله یا ابا
 خالد! لنور الإمام فی قلوب المؤمنین أنور من الشمس المضيئة بالنهار
 وهم والله ينورون قلوب المؤمنین و...»^۱

«...ای اباخالد، قسم به خدا که مقصود از نور، امامان علیهم السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله می باشند. تا روز قیامت سرچشمه نور و روشنایی اند... ای اباخالد، بخدا سوگند که نور امام علیه السلام در دل های مؤمنان از تابش خورشید روشن تر است. بخدا که آنان بر دل های مؤمنان روشنایی می بخشد...».

حافظ چنین می گوید:

گر نور عشق حق به دل و جان او افتد

بالله کز آفتات فلک خوب تر شوی

در جای دیگر نیز می گوید:

گرچه خورشید فلک چشم و چراغ عالمست

روشنایی بخش چشم اوست خاک پای تو

آنچه اسکندر طلب کرد و ندادش روزگار

جرعه ای بود از زلال جام جان افزای تو

عرض حاجت در حریم حضرتت محتاج نیست

از کسی مخفی نماند با فروغ رأی تو

مرحوم کلینی رضی الله عنه در «اصول کافی» بابی با عنوان «أن الأئمة علیهم السلام

نور الله عز وجل» شامل ۶ حدیث شریف نیز اختصاص داده است.^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۵۰۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۸۰، ح ۵۱۰-۵۱۵.

■ فصل چهارم

اوصاف و ویژگی‌های امام علیه السلام

هدف اصلی از این بحث، تحلیل و بررسی و تبیین اوصاف، ویژگی‌ها، شئون، راه انتخاب، راه شناخت،... امام علیه السلام و آثار امامت است. که با الهام از روایات صورت می‌پذیرد.

تکیه بر این مسند عالی (امامت)، کار هر کس نیست، ردای امامت، به هر قامتی برازنده نیست. آن‌که عنوان «امام» را به دست می‌آورد، در شأن و منزلتی است که به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام:

«دور از دسترس پرواز، با بال و پر معمولی است».

امام علیه السلام را مردم به آسانی نمی‌توانند بشناسند؛ تا چه رسد به این‌که به مقام رقابت با آن برآیند. یا در انتخاب و رساندنش به این مقام نقشی داشته باشند. امام علیه السلام، همچون محبت و عشق، قابل توصیف نیست. ما که نمی‌توانیم امام علیه السلام را بشناسیم، چگونه او را توصیف کنیم؟!

تنها راه درست ما همان است که اوصاف و ویژگی‌های امام علیه السلام را، هم از زبان امام علیه السلام بشنویم که «حافظ» چنین می‌گوید:

ساقی بیا که عشق ندا می‌کند بلند

کان کس که گفت قصه ما، هم ز ما شنید

امام علیه السلام دارای عصمت است

امام علیه السلام دارای صفت عصمت بوده، از هر گناه و خطا و لغزشی در امان است. بنابراین امام علیه السلام در هر عصر، با تقواترین و عادل‌ترین انسان زمان خود بوده، در بالاترین درجه فضیلت اخلاقی و رفتاری قرار دارد.

امام رضا علیه السلام در فرازی از روایت مفصل خود چنین می‌فرماید:

«... الْأِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمَبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ،... وَالْإِمَامُ عَالِمٌ لَا يَجْهَلُ وَرَاعٍ لَا يَنْكُلُ، مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَالطِّهَارَةِ وَالنُّسْكِ وَالزَّهَادَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ...»^۱

«... امام علیه السلام از گناهان پاک و از عیب‌ها به دور است...، امام علیه السلام سرچشمه همه فضایل بوده، روح قدسی امام علیه السلام، از هرگونه غفلت و اشتباه و گزافه‌گویی به دور است. امام علیه السلام کانون قدس و پاکی و اطاعت و زهد و علم و عبادت است...».

در جای دیگر در همین رابطه سلیم بن قیس حدیثی از امام علی علیه السلام نقل کرده، توجه فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَانْفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا»^۲

«امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: خداوند ما را پاک و معصوم داشته، گواهِش بر آفریدگان و حجّتش در روی زمین گردانید و قرارداد ما را با قرآن و قرآن را با ما، نه ما از آن جدا می‌شویم و نه قرآن از ما جدا می‌شود».

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۹، ادامه ح ۵۱۸ و نیز، ج ۲، ص ۱۷، ح ۷۱۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۴۹۵، و نیز ح ۴۹۱-۴۹۴ و همچنین ج ۲، روایت‌های ۶۹۲، ۶۸۶ و ۶۹۴.

توضیح مطلب؛

«عصمت انبیا و امامان علیهم‌السلام در کلام اسلامی بر مبانی زیر استوار است: یکی آن که، عصمت آنان بر اساس «قاعده لطف» عنایتی است از طرف خدا، در حق بندگان. «لطف» یعنی خداوند کار یا کارهایی انجام دهد که بنده را به وسیله آن‌ها، از گناه دور کرده، به انجام بندگی نزدیک سازد. با این شرط که به حد اجبار بندگان نرسد.^۱ چون اگر خداوند بنده را بر کاری مجبور کند، دیگر انجام آن کار به حساب تکلیف نیامده، فضیلتی برای بنده به شمار نخواهد آمد. و چون عصمت انبیا و امامان علیهم‌السلام هم، بندگان را در پذیرش دعوت آنان، و تبعیت از اوامر و نواهی ایشان یاری می‌رساند، بر خداوند لازم است که آنان، را معصوم قرار دهد، تا مردم با مشاهده خطا و خلاف آنان، گرفتار اعراض و گمراهی نگردند....

و دیگر آن که گناه و خطا، معلول نادانی و نقصان‌اند. انبیا و اولیا علیهم‌السلام که به حمایت و حی از جهل و نقصان به دورند، طبعاً گرفتار گناه و خطا نخواهند شد. اما بر پایه مبانی حکمت متعالیه، عصمت بر پایه عینی ثری استوار است و مفهوم دقیق‌تری دارد. و آن این که امام علیه‌السلام به عنوان برترین قله وجود، از آثار و خواص این درجه برتر برخوردار بوده، از جهت اخلاقی و رفتاری هم در اوج خواهد بود...».

۱. انوارالملکوت فی شرح الیاقوت، علامه حلی رحمته‌الله، ص ۱۵۳، انتشارات بیدار، قم، به نقل از

فلسفه امامت، بحیثی یثربی، ص ۸۹

به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد

تو را در این سخن انکار کار ما نرسد

اگر چه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند

کسی به حسن و ملاححت به یار ما نرسد

هزار نقد به بازار کاینات آرند

یکی به سکه صاحب عیار ما نرسد

«حافظ»

شایستگی بیعت در انحصار معصوم علیه السلام

«...از آنجا که رهبری مصون از خطا و لغزش، منحصر به امام علیه السلام است

پیروی از مدعیان رهبریت در برابر رهبریت معصوم علیه السلام بر خلاف عقل

و منطق است. از دیدگاه حکمت متعالیه نیز از آنجا که امامت و ولایت

تکوینی، در انحصار امام معصوم عصر است، پذیرش ولایت تشریحی

مدعیان، با تشریح الهی که موافق فطرت و تکوین است، در تضاد خواهد بود.

بنابراین پذیرش ولایت تشریحی امام معصوم علیه السلام، به دلیل تطابق آن با نظام

تکوین، واجب و لازم است»^۱.

به احادیثی در این زمینه از معصومین علیهم السلام دقت کنید:

«عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلِكُلِّ

۱. یثربی، سیدیحیی، فلسفه امامت، ص ۹۷.

قَوْمٍ هَادٍ»^۱ فَقَالَ عليه السلام: كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِمْ»^۲

«فضیل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به قول خداوند عزوجل: «و هر گروهی را رهبری است» پرسیدم، فرمودند: هر امامی رهبر و راهنمای عصر خویش است.»

و این رهبری و هدایت در انحصار امام معصوم علیه السلام است. نه کسی در جای او قرار می‌گیرد و نه کسی را می‌توان به جای او به رهبری پذیرفت.

در این زمینه حدیثی از امام صادق علیه السلام توجه فرماید:

«عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: مَنْ ادَّعَى إِمَامَةً مِنْ اللَّهِ لَيْسَتْ لَهُ، وَمَنْ جَحَدَ إِمَاماً مِنَ اللَّهِ، وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيباً»^۳

«ابن ابی یعفور می‌گوید، شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمودند:

سه گروه هستند که خداوند در روز قیامت به آنها نظر لطف و عنایت نکند و پاکشان نسازد و عذابی دردناک دارند:

کسی که بدون صلاحیت و شایستگی، ادعای امامت کند؛

کسی که امامت امام حق و منتخب از جانب خدا را انکار کند؛

و آن‌که معتقد باشد این دو گروه از اسلام بهره‌ای دارند.»

بنابراین، به هر کجا که برویم، چنانچه به دنبال حق و حقیقت، حقانیت،

۱. سوره رعد، آیه، ۷.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۲، ۲۷۳، ح ۶۹۶-۴۹۹.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۹۶۳. و نیز احادیث، ۹۵۵-۹۶۲.

معرفت و علم صحیح و یقین آور باشیم، باید به مکتب معصوم علیه السلام باز گردیم، که غیر از این، ره به ترکستان است.

در این زمینه امام باقر علیه السلام به سلمه بن کهیل و حکم بن عتیبه (که هر دو زیدی مذهب بودند) چنین می فرمایند:

«عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام لِسَلْمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ وَالْحَكَمِ بْنِ عَتِيبَةَ: شَرْقًا وَغَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛^۱

«امام باقر علیه السلام به آن دو فرمودند: به مشرق بروید و به مغرب بروید، (زمین را زیر پا بگذارید) علم صحیح و درستی جز آنچه از ما خانواده تراوش کند، پیدا نمی کنید». (علم در انحصار مکتب و خاندان و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، فائین تذهبون). در همین رابطه نیز چند روایت با تعبیری دیگر نقل شده است.^۲

امام علیه السلام یگانه زمان خود

یعنی در هر عصری، تنها یک نفر، به عنوان امام علیه السلام، بالاترین مرجع و فرمانروای مطلق دین و دنیای مردم بوده و خواهد بود.

در بخشی از حدیث مفصل امام رضا علیه السلام چنین آمده است:

«...الْإِمَامُ علیه السلام وَاحِدٌ دَهْرِهِ، لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَلَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ...»؛^۳

«...امام علیه السلام یگانه زمان خویش است، کسی هم طراز او نباشد و دانشمندی با او

برابری نکند...».

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۱، ح ۱۰۴۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۵۰-۲۵۲، حدیث های، ۱۰۳۸-۱۰۴۲، (غیر از، ح ۱۰۴۰ که در متن آمده است).

۳. همان، ج ۱، ص ۲۸۷، ادامه ح ۵۱۸.

در اهمیت این ویژگی همین بس که اهل ذکری که در قرآن به مردم سفارش شده که به آن‌ها رجوع کنند، کسی جز ائمه علیهم‌السلام نیستند. و نیز عالم در قرآن به ائمه علیهم‌السلام تفسیر شده و همچنین راسخین در علم که در قرآن مطرح شده ائمه اطهار علیهم‌السلام مصداق اتم آن هستند، اگر نگوییم مصداق منحصر بفرد آن هستند. در کتاب شریف کافی نیز ابوابی تحت همین عناوین اختصاص داده شده است.^۱

از امام رضا علیه‌السلام سؤال کردند، ممکن است در یک زمان دو امام علیهم‌السلام وجود داشته باشد؟

حضرت علیه‌السلام فرمودند:

«... لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ...»^۲

«... نه، مگر این که یکی از آن دو ساکت باشد... و فعلاً امامت به او واگذار نشده باشد...».

کیفیت انتقال منصب امامت، از امام قبل به امام بعد

بدیهی و ضروریست، با درگذشت کسی که در بالاترین جایگاه عالم وجود، و والاترین مقام و منصب الهی قرار داشته، آن که بعد از او از چنین درجه‌ای برخوردار باشد، در جای خالی او قرار گیرد، و عهده دار منصب و مقام والای امامت و هدایت انسان گردد.

۱. همان ج ۱، صص ۳۰۳-۳۰۹، باب شامل ۱۴ حدیث، از ۵۳۸-۵۵۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۹۲۳.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام در این زمینه از حضرتش سؤال نموده است. به حدیث شریف ذیل توجه فرمایید:

«عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَلِإِمَامٍ مَتَى يَعْرِفُ إِمَامَتَهُ وَيَنْتَهِي الْأَمْرُ إِلَيْهِ؟ قَالَ علیه السلام: فِي آخِرِ دَقِيقَةٍ مِنْ حَيَاةِ الْأَوَّلِ»^۱

«یکی از اصحاب می‌گوید، به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه زمانی امام علیه السلام متوجه می‌شود که به مقام امامت رسیده‌است؟ حضرت علیه السلام فرمودند: در آخرین لحظه و دقیقه زندگی امام پیشین علیه السلام بار این رسالت را به عهده می‌گیرد.»

امام پیشین علیه السلام به امر خدا امام بعد را معرفی می‌کند

از مباحث گذشته روشن شد، شناخت و انتخاب امام علیه السلام کار آسانی نیست و از عهده مردم خارج بوده و باید از جانب حضرت حق باشد. بنابراین هر امامی به فرمان خداوند و تنها براساس تکلیف و عهد و پیمان الهی، نه بر پایه خویشاوندی و غیره، این امانت؛ یعنی مقام امامت را به امام بعدی واگذار کرده، و او را به مردم و شیعیانش معرفی می‌نماید. به یک حدیث از مروج مکتب شیعه در این زمینه به عنوان نمونه اشاره، و بقیه احادیث باب را ارجاع می‌دهیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لَا يَمُوتُ الْإِمَامُ حَتَّى يَعْلَمَ مَنْ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ فَيُوصِي [إِلَيْهِ]»^۲

۱. همان، ج ۲، ص ۲۱، ح ۷۱۹، و نیز دو حدیث قبل از آن در رابطه با انتقال علم و ودیعه امامت، به امام بعد می‌باشد.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۴، ح ۷۲۷، (۵)، کلمه «إِلَيْهِ» در متن کافی داخل کروش نوشته شده است. و نیز حدیث‌های ۷۲۳-۷۳۰، در این زمینه می‌باشند.

«امام علیه السلام نمی‌میرد تا این‌که امام بعد از خود را بشناسد و به او وصیت کند.»
(و او را معرفی کند).

نحوه آگاهی امام علیه السلام از درگذشت امام قبل از خود

هر امامی، اگر چه در کنار امام قبل از خود حضور فیزیکی نداشته باشد، از لحظه مرگ امام پیشین خویش آگاه می‌شود و انتقال امامت را با الهام از جانب خداوند در می‌یابد. به حدیثی از یکی از یاران امام رضا علیه السلام عنایت فرماید:

«عَنْ صَفْوَانَ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَاءِ علیه السلام: أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِمَامِ مَتَى يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ؟ حِينَ يَبْلُغُهُ أَنَّ صَاحِبَهُ قَدَمْضَى أَوْ حِينَ يَمْضِي؟ مِثْلَ أَبِي الْحَسَنِ قُبُضَ بِبَغْدَادَ وَأَنْتَ هُنَا؟ قَالَ علیه السلام: يَعْلَمُ ذَلِكَ حِينَ يَمْضِي صَاحِبَهُ، قُلْتُ: بِأَيِّ شَيْءٍ؟ قَالَ: يُلْهِمُهُ اللَّهُ»؛^۱

«صفوان می‌گوید، به امام رضا علیه السلام عرض کردم: به من بفرماید امام علیه السلام چه زمانی می‌داند او امام است؟ زمانی که به او خبر برسد صاحبش (امام سابق علیه السلام) وفات کرده، یا همان زمانی که وفات می‌کند؟ مثل این‌که (پدر شما) حضرت ابوالحسن علیه السلام در بغداد وفات کرد (به شهادت رسید) و شما اینجا (در مدینه) بودید؟ فرمودند: همان زمانی که صاحبش می‌میرد، آگاه می‌شود، عرض کردم: به چه وسیله؟ فرمودند: خدا به او الهام می‌کند.

و همچنین در، ج ۲، صص ۲۵ - ۳۵، دو باب مستقل دارای ۹ حدیث، در خصوص این‌که امر امامت عهدی است از جانب خداوند و انتخاب امام علیه السلام نیز به امر و فرمان حضرت حق بوده، و کسی حق انتخاب از سوی خویش را ندارد، اختصاص داده شده است.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۹۸۳. و نیز حدیث‌های ۹۸۴، ۹۸۵، در این زمینه می‌باشد.

امام علیه السلام در لحظه انتقال امامت، نشانه‌های انتقال این منصب و مقام را به خودش، در می‌یابد. هارون بن فضیل گوید:

روز وفات (شهادت) امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام، امام دهم را دیدم که فرمودند:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و از درگذشت پدر بزرگوارشان، امام جواد علیه السلام خبر دادند، از حضرت پرسیدند: از کجا دانستید؟

امام علیه السلام فرمودند: «لَأَنَّهُ تَدْخِلُنِي ذِلَّةً لِلَّهِ لَمْ أَكُنْ أَعْرِفُهَا»؛^۱

«مرا نسبت به خداوند فروتنی و خضوعی دست داد که چنین حالتی برایم سابقه نداشت». و این اشاره به همان الهام الهی و ارتباط خاص امام علیه السلام با خداوند است که در حدیث قبل به آن اشاره شد.

علم امام علیه السلام همیشگی است

علم امام علیه السلام دائمی و همیشگی بوده و متصل به سرچشمه غیبی است و دائماً در حال افزایش است. در غیر این صورت موجب نقص می‌شود. در این رابطه از صادقین علیهم السلام چند روایت نقل شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«...لَوْلَا أَنَا نَزَدَادُ لَأَنْفَدْنَا»؛^۲

«...اگر بر دانش ما افزوده نمی‌شد بی‌علم می‌ماندیم».

۱. همان، ج ۲، ص ۲۱۸، ح ۹۸۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۶۴۹.

مفضل بن عمر می‌گوید؛ روزی امام صادق علیه السلام به من فرمودند: ما را هر شب جمعه شادی و سرور پست! گفتم: خدایش افزایش دهد، آن شادی چیست؟ فرمودند: هر شب جمعه روح پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام تا عرش بالا می‌رود، و روح ما هم با روح آنان بالا می‌رود، و این ارواح به بدن‌های خود باز نگردند، مگر با معرفتی و علمی تازه و جدید، و اگر چنین نبود که علم ما تمام می‌شد.^۱

و به همین مضمون چند حدیث دیگر وارد شده است.^۲

جهات سه گانه علم امام علیه السلام

امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز می‌فرماید:

علم امام علیه السلام سه جنبه و جهت دارد:

۱- علوم مربوط به زمان گذشته؛

۲- علوم مربوط به زمان آینده؛

۳- علوم حادث و جدید و نو ظهور.

اما علوم گذشته برای ما تفسیر شده است (یعنی اخبار گذشته را پیغمبر صلی الله علیه و آله برای ما توضیح داده است) و اما علوم آینده (در جامع و مصحفی نوشته شده که نزد ماست)^۳ و اما علوم حادث و نو ظهور، نتیجه الهام حق بر دل امام علیه السلام و ابلاغ به گوش اوست. برترین نوع علم ما همین نوع است.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۶۴۷. و نیز ح ۶۴۶ و ۶۴۸، در این رابطه می‌باشد.

۲. همان، ح ۶۵۰-۶۵۲.

۳. ر.ک؛ همان، ج ۱ ص ۳۴۴، در بابی مستقل شامل ۸ حدیث راجع به جامعه، صحیفه، جفر و مصحف فاطمه علیها السلام بحث شده است.

این نکته را هم جداً یادآور می‌شوند که این موضوع را نباید با نبوت اشتباه کرد؛ یعنی علوم حادث امامان علیهم السلام چیز دیگری است و نبوت چیز دیگر.^۱

امام علیه السلام هرگاه بخواهد چیزی را بداند، خدا به او می‌آموزد

در کتاب الحجّة کافی بابی تحت عنوان مطالب فوق باز شده و سه حدیث از امام صادق علیه السلام در این رابطه نقل شده است. به یک حدیث به عنوان نمونه دقت کنید:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَرَادَ الْإِمَامُ أَنْ يَعْلَمَ شَيْئاً أَعْلَمَهُ اللَّهُ ذَلِكَ»؛^۲

«امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هرگاه امام علیه السلام خواهان دانستن چیزی باشد،

خداوند به او خواهد آموخت».

علم و قدرت فوق العاده امام علیه السلام و مظلومیت او

این سؤال همواره در اذهان مطرح هست، که امامان علیهم السلام با این همه علم و قدرت که حتی زمان مرگ خویش را می‌دانند و اصولاً مرگشان به انتخاب و اختیار خودشان بوده، که در اصول کافی بابی تحت همین عنوان شامل ۸

۱. همان، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۶۸۱ و نیز، ص ۳۹۴، ح ۶۸۲، ۶۸۳ در این خصوص هستند.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۸۲، ۳۸۳، ح ۶۶۳ - ۶۶۱، و نیز ص ۳۸۹، ح ۶۷۵، حدیث مفصلی است از امام باقر علیه السلام در خصوص علوم انمه علیهم السلام در قسمتی از آن آمده است: «... مگر برای شما باور کردنی است که خدای سبحان طاعت و فرمانبرداری از اولیاء و امامان علیهم السلام را بر مردم واجب کند و در عین حال اخبار آسمان و زمین را از آنان پوشیده داشته، منابع و مواد علوم مربوط به مراجعات مردم به این امامان علیهم السلام را که پایه و اساس دین مردم است از آنان دریغ دارد؟!...».

حدیث، آمده است،^۱ چرا در بعضی موارد دست به اقدامی می‌زنند که به شکست (ظاهری) و احیاناً مرگ و شهادت خودشان می‌انجامد؟! جهت دریافت پاسخ مناسب به فرازهای آخر حدیث مفصل امام باقر علیه السلام به حمران توجه فرمایید:

«عَنْ ضُرَيْسِ الْكِنَاسِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: ... وَلَوْ أَنَّهُمْ يَاحْمُرَانُ! حَيْثُ نَزَلَ بِهِمْ مَائِزَلٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِظْهَارِ الطَّوَاعِيَةِ عَلَيْهِمْ سَأَلُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَدْفَعَ عَنْهُمْ ذَلِكَ وَالْحُجُوعِ عَلَيْهِ فِي طَلَبِ إِزَالَةِ مُلْكِ الطَّوَاعِيَةِ وَذَهَابِ مُلْكِهِمْ إِذَا لَاجَبَهُمْ وَدَفَعَ ذَلِكَ عَنْهُمْ، ثُمَّ كَانَ انْقِضَاءُ مُدَّةِ الطَّوَاعِيَةِ وَذَهَابِ مُلْكِهِمْ أَسْرَعَ مِنْ سِلْكِ مَنْظُومٍ انْقَطَعَ فَتَبَدَّدَ، وَمَا كَانَ ذَلِكَ الَّذِي أَصَابَهُمْ يَاحْمُرَانُ لِذَنْبٍ اقْتَرَفُوهُ، وَلَا لِعُقُوبَةِ مَعْصِيَةٍ خَالَفُوا اللَّهَ فِيهَا، وَلَكِنْ لِمَنَازِلَ وَكَرَامَةٍ مِنَ اللَّهِ، أَرَادَ أَنْ يَبْلُغُوهَا، فَلَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ فِيهِمْ»^۲

«...ای حمران! همه مصیبت‌ها و گرفتاری‌های امامان و ستم‌ستمگران بر ایشان به خواست خود آنان از درگاه حق، قابل دفع و رفع بود. اگر می‌خواستند قدرت طاغوتیان را بر باد می‌دانند و بساط آنان به سادگی فروپاشی یک رشته مروارید (گلوبندی) که بندش را بریده باشند از هم می‌پاشید.

ای حمران! این مصیبت‌ها نه کیفر گناه و مخالفت با خداوند است! بلکه مقدمه

۱. همان، ۱، صص ۳۸۳-۳۸۷، احادیث ۶۶۴-۶۷۲، همه در خصوص علم امامان علیهم السلام به مرگ خویش و با اختیار خودشان است، ملاحظه فرمایید.

۲. همان، ج ۱ ص ۳۹۰، ح ۶۷۵، و مرحوم کلینی رحمه الله در کتاب الحجّة بابی تحت عنوان «اثمه علیه السلام آنچه واقع شده و می‌شود را می‌دانند و چیزی از ایشان مخفی نیست» آورده، که شامل ۶ حدیث جالب و جذاب می‌باشد.

تعالی آنان (امامان علیهم السلام) به درجات و کراماتی بوده، که خدا خواسته بدان نائل آیند. نسبت به ایشان گمان‌های دیگر مبر. مبادا، مبادا که دچار کج اندیشی شوی!».

به نیم غمزه توانی که قتل عام کنی خدا نکرده اگر غمزه را تمام کنی!

تقیه امام علیه السلام برای رعایت حال شیعیان

گاهی اولیاء خدا و معصومین علیهم السلام با کسانی رو برو هستند که ظرفیت محدود آنان، زمینه ابراز حقایق را از بین میبرد. در این‌گونه موارد، اولیاء خدا علیهم السلام به میزان عقل و فهم آنان، معرفت و توان خون را ابراز می‌کنند. و گاهی اوقات هم مصلحت و ملاحظات سیاسی، ایجاب می‌کند که پنهان کاری نمایند، تا مشکلی برای خودشان، یاران و شیعیان‌شان ایجاد نگردد. چنان‌که امام صادق علیه السلام این چنین عمل نمودند.

«عَنْ سُدَيْرٍ قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَأَبُوبَصِيرٍ وَيَحْيَى الْبَرَّازُ وَدَاوُدُ بْنُ كَثِيرٍ فِي مَجْلِسِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ خَرَجَ إِلَيْنَا وَهُوَ مُغْضَبٌ، فَلَمَّا أَخَذَ مَجْلِسَهُ قَالَ عليه السلام: يَا عَجَبًا لَأَقْوَامٍ يَزْعُمُونَ أَنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ! مَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، لَقَدْ هَمَمْتُ بِضَرْبِ جَارِيَّتِي فُلَانَةَ، فَهَرَبَتْ مِنِّي فَمَا عَلِمْتُ فِي أَيِّ بُيُوتِ الدَّارِ هِيَ؟!...»^۱

«سدیر می‌گوید: من و ابوبصیر و یحیی بزاز و داود بن کثیر در مجلس نشسته

۱. همان، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۶۵۹، حدیث مفصل است، ادامه اش راجع به غیب و علم‌الکتاب است که امام علیه السلام در خارج از آن مجلس با تأکید به سدیر فرمودند: والله همه آن نزد ماست، والله همه آن نزد ماست، که این خود حکایت از تقیه در آن مجلس می‌کند. مراجعه فرمایید.

بودیم که امام صادق علیه السلام با حالت خشم وارد و چون در مسند خویش قرار گرفتند، چنین فرمودند:

شگفتا از مردمی که گمان دارند که ما غیب می‌دانیم! کسی جز خدای عزوجل غیب نمی‌داند. من می‌خواستم فلان کنیزم را تنبیه کنم، او گریخت و من نمی‌دانستم کجای خانه پنهان شده است!؟...».

حدیث ادامه دارد که در پاورقی اشاره شده است.

آری، سینه هر کس تحمل همه اسرار را ندارد، و شایسته محرم بودن اسرار نمی‌باشد. امامان علیهم السلام زلال معرفت خویش را با خلوتیان محفل انس خود در میان گذاشته، اما در حضور اغیار لب فرو می‌بستند. حافظ چه شیرین می‌گوید:

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست؟

چه جای صحبت نامحرم است مجلس انس

سر پیاله بیوشان، که خرقه پوش آمد.

■ فصل پنجم

شأن و منزلت امام علیؑ

امام علیه السلام ناظر و شاهد بر خلق

امامان علیهم السلام شئونی دارند، که از جمله آن‌ها پیشوایی و رهبری جامعه است، بیان حلال و حرام، اقامه حدود الهی، هدایت‌گر، والیان امر، خزانه‌دار علم، خلیفه و امین خدا هستند. امامان، انیس، شفیق، حصن و حافظ هستند. آن‌ها، شاهد، مبشر، فرمان فرما، معلم و حامل وحی هستند. آن‌ها ناظر و حاکم بر همه حوادث جهان و رفتار انسان‌ها هستند.^۱

موضوع گواه بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام بر امت، از چند جنبه قابل بررسی است:

۱ - یکی از این جهت که امامان و پیامبران علیهم السلام در ظاهر و باطن ناظر بر اعمال، افکار، اخلاق و رفتار امت هستند، بنابراین آنان عملاً گواهان و شاهدان اعمال و زندگی ما هستند که شهادت و گواهی راستین آنان، مبنای داوری حق در شایستگی ما نسبت به پاداش و کمالات و عقاب خواهد بود. عرضه اعمال مردم به امامان، در طول دوران زندگی، یا حضور امامان در آخرین لحظات حیات انسان‌ها و ختم برنامه عملی آنان با حضور امام علیه السلام اشاره به همین نکته ظریف دارد. در این زمینه به حدیث شریف توجه فرمایید:

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَكَيْفَ إِذَا

جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً»^۱ قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: نَزَلَتْ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَاصَّةً، فِي كُلِّ قَرْنٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ مِّنَّا شَهِدٌ عَلَيْهِمْ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شَهِدٌ عَلَيْنَا»^۲

«سماعه می‌گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «پس چطور باشد زمانی که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را بر آنها گواه آوریم» چنین فرمودند: این آیه تنها به امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اختصاص دارد. در هر قرنی امامی از ما بر ایشان گواه و ناظر است و حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم گواه و ناظر ماست». (یعنی بر گفتار و کردار ایشان ناظر است و روز قیامت نزد خدا گواهی دهد، پس مراقب باشید و تقوی پیشه کنید که گواهان و شاهدان عادل و مقبولند).

در اصول کافی باب مستقلی تحت عنوان «عرضه اعمال بر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام» شامل ۶ حدیث باز شده است.^۳

البته ناگفته پیداست که نمی‌توانیم به اعمال و رفتار و طاعات خود مغرور و متکی باشیم. بلکه تنها باید چشم امید به فیض عفو شان داشته باشیم و بس. حاشا لله که نیم معتقد طاعت خویش

این قدر هست که گه گداحی می‌نوشم

هست امیدم که علی رغم عدو روز جزا

فیض عفو ش نهد بار گنه بر دوشم

«حافظ»

۱. سوره نساء، آیه ۴۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۴۹۱، و نیز در کتاب الحجّه بابی با عنوان «أَنَّ الْأَئِمَّةَ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ» شامل ۵ حدیث، (۴۹۱ - ۴۹۵)، آمده است.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۱۸، ۳۱۹، احادیث ۵۷۴ - ۵۷۹.

۲- دیگر از این جهت که حضور امامان (ع) در میان خلق، حجت خداوند را بر آنان تمام می‌کند. و اینان گواهان صادق خداوند بر امت‌ها هستند. که فرمان و هدایت الهی را به مردم ابلاغ نموده، دیگر جایی برای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای باقی نمی‌ماند. در این زمینه چند حدیث تحت عنوان بابی مستقل در «کتاب الحجّة» نقل شده، که در فصل بعد تعدادی از آنها ذکر می‌شود.^۱

۳- و جنبه دیگر این که شخص پیامبر (ص) و امام (ع) از آن جهت که یک انسان است به عنوان الگو و اسوه تربیت دینی و الهی، در میان مردم حضور یافته، عملاً بر امکان چنین تربیت و تکاملی، ولو در حدّ وسیع انسان‌ها، یک شاهد زنده به شمار آید.

در این رابطه به حدیثی جالب از مولی الموحّدین، امیرالمؤمنین (ع) توجه فرمایید:

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِيَخْلُقَهُ، فَقَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَمَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَمَلْبَسِي كَضِعْفَاءِ النَّاسِ، كَيْ يَقْتَدِيَ الْفَقِيرُ بِفَقْرِي وَلَا يُطْفِي الْغَنَى غِنَاهُ»^۲

«امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داد، و بر من واجب کرد که در باره خود، خوراک و نوشیدنی و پوشاکم، مانند مردم مستمند، بر خود تنگ و سخت بگیرم، تا فقیر از فقر من پیروی کند و ثروتمند به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان ننماید.»

۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۰، احادیث، ۴۳۸ - ۴۴۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۱۰۷۱، و نیز احادیث، ۱۰۷۲ - ۱۰۷۵. در این خصوص است.

امام علیه السلام وارث همه انبیاء علیهم السلام است

از آنجا که امامت، استمرار نبوت بوده، و با نبوت اتصال و ارتباط بلافصل دارد؛ پس امام علیه السلام، وارث بحق علوم و کتب همه انبیاء علیهم السلام است. ارتباط و پیوند مقام ولایت و امامت، با مقام نبوت و رسالت، یک ارتباط و پیوند عینی و وجودی است، لذا امام هر عصری با حقایق و معارف همه انبیاء علیهم السلام آشنا خواهد بود. این وراثت در زبان احادیث و اخبار به صورت‌های گوناگون جلوه کرده است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:^۱

«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَاءَ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...﴾ الْآيَةَ.^۲

قال: فقال علیه السلام: «وُلِدْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ...»^۳

«احمد بن عمر می‌گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد آیه شریفه: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا...﴾ سؤال کردم، که برگزیدگان چه کسانی هستند؟ فرمودند: فرزندان فاطمه علیها السلام هستند.

در رابطه با همین آیه در فراز آخر حدیث مفصلی از امام موسی بن جعفر علیه السلام چنین آمده است:

«... قال علیه السلام... فَنَحْنُ الَّذِينَ أَصْطَفَانَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَوْرَثَنَا هَذَا الَّذِي فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ»^۴

۱. اقتباس از کتاب فلسفه امامت، سید یحیی یشربی، ص ۶۵.

۲. سوره فاطر، آیه ۳۲. (آنگاه ما این کتاب را به برگزیدگان از میان بندگان خود به ارث دادیم).

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۵۵۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۵۹۹.

«... فرمودند: و ماییم کسانی که خدای عزوجل انتخابمان کرده و این کتاب را که بیان همه چیز در آن می باشد، برای ما به ارث گذاشته است. همچنین در این زمینه به حدیثی زیبا که از امام صادق علیه السلام در کافی نقل شده، دقت فرماید:

«عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ فِي عَلِيِّ علیه السلام سُنَّةَ أَلْفِ نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ لَمْ يُرْفَعْ وَمَامَاتَ عَالِمٍ فَذَهَبَ عِلْمُهُ وَالْعِلْمُ يُتَوَارَثُ»^۱

«فضیل می گوید، شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمودند: در علی علیه السلام سنت هزار پیغمبر علیهم السلام بود (چنانچه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که خواهد علم آدم علیه السلام، عبادت نوح علیه السلام، خلیل بودن ابراهیم علیه السلام، وقار و ابتهت موسی علیه السلام و زهد عیسی علیه السلام را ببیند، به علی بن ابی طالب علیه السلام نظر کند) و علمی که با آدم علیه السلام فرود آمد، بالا نرفت و هر عالمی بمیرد علمش نمی میرد بلکه علمش به ارث منتقل می شود».

در همین رابطه احادیث دیگری نیز از صادقین علیهم السلام نقل شده است.^۲ در خصوص ارث بردن ائمه علیهم السلام علوم انبیا و اوصیاء علیهم السلام را باب مستقلی در «کتاب الحجّة» اصول کافی تحت همین عنوان مشتمل بر ۷ حدیث شریف، اختصاص داده شده است. که به ذکر آدرس اکتفا می شود، ملاحظه فرمایید.^۳

۱. همان، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۵۸۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۲، ۳۳۳، ح ۵۸۹-۵۹۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۲۴-۳۲۹، (شامل ۷ حدیث) و همچنین از صص ۳۳۵-۳۵۰، احادیثی (از ۶۱۱-۶۳۵) مبنی بر این که آیات و نشانه های انبیاء گذشته علیهم السلام از قبیل؛ سلاح پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، الواح تورات و عصای موسی علیه السلام، خاتم سلیمان علیه السلام، پیراهن یوسف علیه السلام، نامه های مهر شده، صحیفه جفر، جامعه و... نزد ائمه علیهم السلام است، نقل شده است.

امام علیه السلام به همه کتب آسمانی به هر زبانی که باشد آگاهی دارد.

امام علیه السلام و حجّت خدا به مقتضای کمال و جود، بایستی به همه علوم و کتب آسمانی گذشتگان اشراف و احاطه داشته باشند. چه این که اگر غیر از این باشد نقص است و نقص با کمال قابل جمع نیست و لذا حجّت الهی علیه السلام از هرگونه نقص و کاستی به دور است.

به حدیثی از امام صادق علیه السلام در این زمینه توجه فرمایید:

«عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ فِي حَدِيثِ بُرَيْهَةَ^۱ أَنَّهُ لَمَّا جَاءَ مَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ... قَالَ علیه السلام: هِيَ عِنْدَنَا وَرِاثَةٌ مِنْ عِنْدِهِمْ نَقَرُوهَا كَمَا قَرُوهَا وَنَقُولُهَا كَمَا قَالُوا، إِنَّ اللَّهَ لَا يَجْعَلُ حُجَّةً فِي أَرْضِهِ يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ فَيَقُولُ لَا أَدْرِي»^۲

«چون هشام بن حکم با بُریه قصد تشرف به خدمت امام صادق علیه السلام را داشتند، به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برخوردند، هشام داستان بریه را برای آن حضرت نقل کرد، حضرت ابوالحسن علیه السلام به بریه فرمودند: ای بریه عِلْمَت به کتاب دینت تا چه حدّ است؟ گفت: آن را می دانم. فرمودند: تا چه حدّ اطمینان داری که معنی و تأویلش را بدانی؟ گفت: آن را خوب می دانم و بسیار اطمینان

۱. بُرَیْهَة مصغّر ابراهیم است و در بعضی از نسخ کافی بریهه ضبط شده است. مرحوم مجلسی رحمته الله در مرآت العقول، ج ۱، ص ۱۷۰، داستان او را از توحید صدوق رحمته الله بتفصیل نقل می کند... بریه از دانشمندان بزرگ هفتاد ساله نصاری بود که بوجود او افتخار می کردند و او مدتی بود که عقیده اش نسبت به دین مسیح علیه السلام سست شده بود و در جستجوی دین حق بود و با بسیاری از مسلمین مباحثه کرده، ولی چیزی بدست نیاورده بود... شیعیان او را به هشام به حکم معرفی کردند...، به نقل از اصول کافی، ترجمه جناب آقای مصطفوی، ج ۱، ص ۳۳۰. (خلاصه داستان او در ترجمه حدیث آمده است).

۲. همان، ج ۱، ص ۳۲۹، ۳۳۰ ح ۶۰۰.

دارم، و سپس امام علیه السلام شروع به خواندن انجیل فرمودند، بریه گفت: پنجاه سال است که من در طلب و جست و جوی شما یا مانند شما هستم، هشام گفت: او به خدا ایمان آورد و خوب هم ایمان آورد و زنی هم که همراه او بود، ایمان آورد، سپس هشام و بریه و آن زن خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شدند، هشام گفت و گوی میان حضرت ابوالحسن علیه السلام و بریه را نقل کرد، امام صادق علیه السلام آیه شریفه: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۱

«نژاد ابراهیم و عمران علیه السلام بعض آن از بعض دیگر است و خدا شنوا و داناست» را قرائت فرمودند، بریه گفت: تورات و انجیل و کتب پیغمبران علیه السلام از کجا به شما رسیده؟! امام صادق علیه السلام فرمودند: همه کتب آسمانی انبیای گذشته علیه السلام نزد ماست، اینها را از آنان به ارث برده ایم، چنانکه آنان می خواندند، ما هم می خوانیم، و همانند آنان که بیان می کردند ما نیز بیان می کنیم، خداوند هیچ حجتی را در روی زمین قرار نمی دهد که چیزی از او پیرسند و او بگوید: نمی دانم (بلکه همه چیز را می دانند به اذن خدا). این است معنی پیوند و اتصال حقیقی انبیا و اوصیا و امامان علیه السلام با یکدیگر.

امام علیه السلام مخاطب وحی و حامل قرآن است

حقیقت وحی الهی، چیزی است که افراد معمولی، ظرفیت درک و تحمل آن را ندارند، و چون قرآن کتاب همیشگی و زنده انسانهاست، پس مخاطب حقیقی آن نیز باید همیشه وجود داشته باشد. و این مخاطب حقیقی که قلب

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۴.

و روحش بستر و جایگاه وحی است بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی جز امامان علیهم السلام یکی پس از دیگری تا امام عصر علیه السلام نمی توانند باشند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

امام سجاده علیه السلام در مورد آیه شریفه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...»^۱

فرمودند: «قرآن در شب قدر نازل شده و طبق خبر قرآن، در شب قدر فرشتگان و جبرئیل علیه السلام فرود آمده، امر و فرمان خداوند را در موارد مختلف با خود می آورند. حالا اگر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنده نبود، باید گفت که دیگر شب قدری نیست؟! چنین دیدگاه انحرافی گریبان گیر مخالفان شده است. و این نوعی عقب گرد است! و اگر بگویند باز هم جریان شب قدر ادامه دارد، خود به خود اقرار کرده اند که باز هم امری از طرف خدا بر زمین فرود می آید؛ و چون نزول «امر» را پذیرفته اند، به ناچار باید وجود «صاحب امر» را که همان مخاطب امر و الهام و حقایق غیبی است، بپذیرند.^۲

این جریان مستمر وحی و الهام و بقاء استمرار قرآن و شب با برکت قدر، جز با پذیرش وجود کسی که حامل و محل نزول وحی و مخاطب آن‌ها باشد، قابل تصور نیست و چنین شخصی همان امام عصر علیه السلام می باشد.

امام علیه السلام مترجم حقیقی وحی الهی

امام علیه السلام که در هر عصری در اوج کمالات وجودی قرار دارد، طبعاً نسبت به

۱. سوره قدر، آیه ۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۱، ح ۶۴۰، و نیز حدیث ۴۹۸.. و همچنین احادیث ۶۳۷-۶۴۵ باب «فِي شَأْنِ إِيَّانَا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَتَفْسِيرِهَا» که دارای ۹ حدیث مفصل است در این زمینه می باشد.

معانی ظاهر، باطن و تأویلات قرآن، داناترین فرد روزگار خویش است. و تمام علم الکتاب نزد امام علیه السلام است و کسی را نرسد که چنین ادعایی داشته باشد.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مَایَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ یَدَّعِیَ أَنَّ عِنْدَهُ جَمِيعُ الْقُرْآنِ کُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَبَاطِنِهِ غَیْرَ الْأَوْصِیَاءِ»؛^۱

«جز اوصیاء پیغمبر صلی الله علیه و آله کسی نمی تواند و قادر نیست که ادعا کند ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست».

ملا صدرا رحمته الله در بحث از ظاهر و باطن قرآن، می گوید:

«حقیقت قرآن نیز مانند حقیقت انسان، دارای هفت بطن است. چنان که از ظاهر انسان که مشتی گوشت و پوست و استخوان است، تا باطن او که جامع همه مراتب هستی و حقایق مادی و معنوی است، هفت بطن و هفت مرحله و هفت شهر و وادی است»^۲.

از ظاهر قرآن هم که مقداری صوت و حرف است تا باطن آن که عین ظهور و جلوه حضرت حق است، هفت مرحله و بطن است. و لذا هر بطنی اهلی و حاملی دارد. آن که در مقام طبع و نفس از بطون انسانی استن از قرآن جز صوت و لفظ بهره ای نبرد. اما سر و لب قرآن، که عین حکمت است، تنها نصیب اهل لب و بصیرت است، آنان که صاحب حکمت اند. و حکمت جز به عطا و موهبت الهی به دست نیاید.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۶۰۳، و نیز حدیث های ۶۰۴-۶۰۷.

۲. عرفا این حقیقت را چنین عنوان کرده اند، طبع، نفس، قلب، روح، سر، خفی و اخفی.

اما قرآن، با اقتضای رحمت عام الهی، با این درجات و مراتب و بطون، به گونه‌ای است که هر کسی بتواند در حدّ خود از این خوان آسمانی رزقی بخورد و سهمی ببرد.^۱

امام علیه السلام ولی امر خدا و خزانه دار علم اوست

یکی دیگر از شؤون امام علیه السلام به لحاظ سعه و جودی و کمال مطلق، این که ظرف و جودی امام علیه السلام است که گنجایش و تحمل خزانه داری علم خدا را دارد و ولی امر (امامت و خلافت) او در زمین و آسمان است.

«عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: نَحْنُ وُلاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَعَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ»^۲

وجوب اطاعت امام علیه السلام

بر اساس انحصار شایستگی بیعت با امام معصوم منتخب خدا نه مردم، بیعت و اطاعت چنین امامی عقلاً و شرعاً واجب خواهد بود. زیرا با وجود رهبری معصوم، پیروی از غیر معصوم به هیچ وجه معقول و قابل توجیه نیست. مرحوم کلینی رحمه الله در کتاب شریف کافی بابی تحت عنوان «فَرَضُ طَاعَةِ الْأَئِمَّةِ» باز کرده است، که به ذکر یکی از احادیث باب اکتفا، و بقیه را ارجاع می‌دهیم. به حدیثی از امام رضا علیه السلام توجه فرمایید:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ الطَّبْرِيِّ قَالَ: كُنْتُ قَائِماً عَلَى رَأْسِ الرِّضَا علیه السلام

۱. صدر المتألهین، الاسفار اربعه، چاپ بیروت، ج ۷، ص ۳۶-۴۶، به نقل از؛ فلسفه امامت، سید یحیی یشربی، ص ۶۹، ۷۰.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۵۰۰، و نیز ص ۳۲۰، ۳۲۱، ح ۵۸۲-۵۸۴.

بِخُرَاسَانَ وَعِنْدَهُ عِدَّةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَفِيهِمْ إِسْحَاقُ بْنُ مُوسَى بْنِ عِيسَى
 الْعَبَّاسِيُّ فَقَالَ علیه السلام: يَا إِسْحَاقُ! بَلِّغْنِي أَنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّا نَزَعَمُ أَنَّ النَّاسَ
 عَبِيدٌ لَنَا، لَا وَقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا قُلْتُهُ قَطُّ وَلَا سَمِعْتُهُ مِنْ آبَائِي
 قَالَهُ وَلَا بَلِّغْنِي عَنْ أَحَدٍ مِنْ آبَائِي قَالَهُ؛ وَلَكِنِّي أَقُولُ: النَّاسُ عَبِيدٌ لَنَا فِي
 الطَّاعَةِ، مُوَالٍ لَنَا فِي الدِّينِ، فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ»^۱

«محمد بن زید طبری می گوید: من در خراسان در حضور امام رضا علیه السلام به
 خدمت ایستاده بودم و جمعی از بنی هاشم که اسحاق بن موسی در میان آنها
 بود، نیز خدمت آن حضرت بودند. امام علیه السلام فرمودند:

ای اسحاق! به من خبر رسیده که مردم (اهل سنت) می گویند: ما عقیده داریم
 که مردم برده ما هستند، نه، سوگند به خویشاوندی و قرابتی که با پیامبر صلی الله علیه و آله دارم،
 نه من هرگز این چنین سخنی گفته ام و نه از پدرانم علیهم السلام شنیده ام و نه به من خبر
 رسیده که یکی از آنها گفته باشند، ولی من می گویم مردم بنده فرمان و فرمانبر
 ما هستند؛ یعنی اطاعت ما بر آنان واجب است. در دیانت باید از ما پیروی کنند،
 حاضران به غائبان برسانند سخن این است و بس».

در کتاب الحجّة کافی در باب «تسلیم و فضیلت مسلمین» در حدیثی به نقل از
 امام باقر علیه السلام نیز چنین آمده است:

«عَنْ سُدَيْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: إِنِّي تَرَكْتُ مَوَالِيكَ مُخْتَلِفِينَ، يَتَّبِرُونَ
 بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ قَالَ: فَقَالَ علیه السلام: وَمَا أَنْتَ وَذَلِكَ، إِنَّمَا كَلَّفَ النَّاسُ ثَلَاثَةً:

۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۴۸۳، و نیز صص ۲۶۲ - ۲۶۹، حدیث های ۴۷۴ - ۴۹۰، (۱۶) حدیث
 دیگر بجز ح (۴۸۳).

مَعْرِفَةُ الْأَيْمَّةِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَالرَّدُّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»^۱

«سدير می‌گوید، به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: من دوستان شما را در حالی ترک کردم (و به سوی شما آمدم) که اختلاف داشتند و از یکدیگر بیزاری می‌جستند، امام علیه السلام فرمودند: تو را با وضع آنان چکار؟!»

همانا مردم به سه چیز تکلیف دارند:

شناختن امامان علیهم السلام؛

سر فرود آوردن در مقابل فرمانشان؛

و مراجعه به آنها برای حل اختلافاتشان».

مهر پاکان در میان جان نشان دل مده الا به مهر پاکشان

«مولوی»

۱. همان، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۱۰۰۹، و نیز در باب تسلیم، حدیث‌های، ۱۰۱۰-۱۰۱۶، قابل ملاحظه است.

■ فصل ششم

آثار امامت

امامت، آثاری بس با عظمت در پی دارد که قابل توصیف نبوده، و در کلام انسان نمی‌گنجد؛ از جمله: امام علیه السلام وسیله هدایت خلق، نجات بشر از گمراهی، حیات و زندگی ابدی در سایه اطاعت از او، اکمال دین، اتمام نعمت، رحمت، رسیدن به کرامت، فیض و ثواب دنیوی و اخروی و...

اطاعت و پیروی امام علیه السلام، در ظاهر و یا باطن و در امور مربوط به دنیا و آخرت، موجب سعادت و نجات انسان از عذاب الهی شده، و مخالفت با امام علیه السلام موجب عقاب الهی می‌شود.

«عَنِ الْبَرْقِيِّ، ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : ... فَمَنْ وَفَى لَنَا، وَفَى اللَّهُ لَهُ بِالْجَنَّةِ، وَمَنْ أَبْغَضَنَا وَلَمْ يُؤَدِّ إِلَيْنَا حَقَّنَا، فَفِي النَّارِ خَالِدًا مُخَلَّدًا»؛^۱

«امام صادق علیه السلام فرمودند: ... هر کس وفادار به عهد ما باشد، خداوند به وعده‌اش وفا کرده، او را بهشت می‌بخشد، و هر که ما را دشمن دارد و حق ما را ادا نکند، همیشه در آتش خواهد بود.»

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، نتیجه و اثر وفا داری به عهدی که برای امام علیه السلام به عهد امت است، نجات از آتش و عذاب و ثمر و نتیجه دشمنی و عهدشکنی معذب و مخلد بودن در آتش است.

استقرار و ثبات زمین به برکت وجود امام علیه السلام

همان طور که در فصل های قبل گذشت چنان که امام علیه السلام نباشد، زمین استقرارش را از دست داده، اهلس را فرو می برد و نابود می شود. از عبارت حدیث ذیل از امام صادق علیه السلام چنین استفاده می شود که ثبات و سامان جهان هستی، از فیض و برکت وجود و حضور امام علیه السلام است.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»؛^۱

«اگر زمین بدون امام باشد، جهان هستی از هم فرو می پاشد».

نه در انجم حرکت بود و نه در قطب سکون

گر نبودی به زمین خاک نشینانی چند^۲

امام علیه السلام واسطه فیض الهی

زندگی و حیات این جهان به طفیل وجود امام معصوم علیه السلام بوده، چنانچه امام علیه السلام نباشد، فیض هستی قطع شده، جهان از هم فرو می پاشد، به حدیث ذیل دقت فرمایید:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ قَالَ علیه السلام: لَا؛ قُلْتُ: فَإِنَّا نَرُوي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَوْ عَلَى الْعِبَادِ، فَقَالَ علیه السلام: لَا؛ لَا تَبْقَى إِذَا لَسَاخَتْ»؛^۳

۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۴۵۱.

۲. دیوان حاج ملاهادی سبزواری رحمته الله، به نقل از فلسفه امامت، سید یحیی یشربی، ص ۸۷.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۴۵۲، و نیز احادیث ۴۵۳، ۴۵۴، در این زمینه است.

«محمد بن فضیل می‌گوید، به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام

باقی می‌ماند؟

فرمودند: نه، گفتم: از امام صادق علیه السلام برای ما روایت شده که زمین بدون

امام علیه السلام نباشد، مگر زمین و یا بندگان مورد خشم خداوند قرار می‌گیرند.

فرمودند: نه، اصلاً زمین و بشری باقی نمی‌ماند، همه از بین می‌رفتند.»

روشن است که جهان هستی بدون امداد و فیض الهی، عدم محض و نیستی

خواهد بود. و در جای خود نیز ثابت است که واسطه فیض الهی، ائمه

معصومین علیهم السلام هستند و لاغیر، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

چون کاینات، جمله به بوی تو زنده‌اند

ای آفتاب! سایه ز من بر مدار هم

چون آبروی لاله و گل فیض حسن توست

ای ابر لطف! بر من خاکی ببار هم^۱

اعجاز و کرامت امام علیه السلام

امام علیه السلام در مقام علم و عمل، چنان است که دیگران نمی‌توانند آن‌طور

باشند. این مطلب در موارد متعددی، از سوی امامان معصوم علیهم السلام بیان

شده است. برتری امامان علیهم السلام از نظر علمی، عملی ... و امور خارق العاده بسیار

بوده، و با توجه به شأن، مقام، عظمت، صفات و ویژگی‌هایی که امام علیه السلام دارد،

واضح است که امام علیه السلام می‌تواند در صورت لزوم در حوادث جهان تصرف

نموده، آن‌ها را طبق اراده خود تغییر دهد. که در جای خود آثار بی‌شماری به دنبال خواهد داشت. به جهت اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم:

- به حرکت در آوردن و سخن گفتن درخت «أُمُّ غَيْلَانَ» توسط امام موسی بن جعفر علیه السلام و اقرار درخت به امامت آن حضرت علیه السلام؛^۱
- سخن گفتن عصا در دست امام محمد تقی علیه السلام و اقرار به امامت آن حضرت علیه السلام؛^۲
- شفادادن پای بیمار (حسین بن عمر بن یزید) توسط امام رضا علیه السلام؛^۳
- حضرت رضا علیه السلام با سر انگشت خود خانه را روشن کردند (ید بیضاء)؛^۴
- تصرف آن حضرت علیه السلام در ماده و شمش طلا؛^۵
- پاسخ دادن امامان علیهم السلام به مسائل علمی دشوار؛
- آگاهی آنان از غیب؛

به نحوی است که نقل آن در کتب حدیثی به حدّ تواتر رسیده است. که به لحاظ اختصار فقط آدرس برخی، برای مراجعه ذکر می‌شود؛ از جمله در حدیث‌های شماره ۶۵۰ تا ۶۷۰، از اصول کافی، مواردی از معجزات و غیب آمده، و بابی با عنوان «نَادِرٌ فِيهِ ذِكْرُ الْغَيْبِ» در «کتاب الحجّة» نیز در این خصوص اختصاص داده شده است.^۶

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ۱۶۴، ح ۹۲۰، که حدیث مفصل، جالب و خواندنی است.

۲. همان، ح ۹۲۱.

۳. همان، ح ۹۲۲، حدیث در خصوص سؤال و محاجّه فردی واقفی مذهب است، که امام رضا علیه السلام پس از پاسخ مسائل او خبر بیماری را به وی دادند و سال بعد به درخواست بیمار شفایش دادند.

۴. همان، ص ۴۰۴، ح ۱۲۹۲، و نیز حدیث‌های ۱۲۹۱، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، از اخبار غیبی است.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۰۶، ح ۱۲۹۵. و نیز احادیث ۱۲۹۷ - ۱۳۰۰، از اخبار غیبی و معجزات امام رضا علیه السلام است.

۶. همان، ج ۱، صص ۳۷۴ - ۳۸۷، احادیث ۶۵۰ - ۶۷۰.

همه این‌ها به عنوان آثار و لوازم غیر عادی، از وجود امام علیه السلام سرچشمه می‌گیرند، که از نظر کمالات و جود، در درجه‌ای غیر عادی قرار دارد. آنچه از امام علیه السلام مطلوب است، هدایت علمی و معرفتی مردم است. چنان‌که بعثت انبیاء علیهم السلام به همین منظور است. اما چرا پیامبران و امامان علیهم السلام دارای قدرت فوق‌العاده‌ای هم هستند که از آثار این قدرت، با عنوان «اعجاز» یا «کرامت» تعبیر می‌کنند؟ به عبارت دیگر آن علم و این قدرت، چه ارتباطی به همدیگر داشته، چرا لازم و همراه هم اتفاق می‌افتند؟

ابن سینا رحمه الله درباره ارتباط این‌ها می‌گوید: «واجب و لازم است که پیامبر صلی الله علیه و آله [و امام علیه السلام] دارای خصوصیتی باشد که دیگران آن را نداشته باشند، تا مردم او را، دارای حقیقتی بدانند که خودشان واجد آن نیستند، پس با این خصوصیت او را از مردم دیگر تشخیص داده و بشناسند، پس باید او دارای معجزاتی بوده باشد».^۱

امام علیه السلام هدایت‌گر انسان‌ها

با عنایت به این‌که امام علیه السلام انسان کامل و دارای علوم اولین و آخرین بوده، و آگاه به زمان و سعادت دنیوی و اخروی بشر و دارای عصمت است، و از طرفی بشر نیازمند هدایت است و در جای خود اضطرار به حجت الهی منتخب خدا نیز ثابت شد، امام معصوم علیه السلام هادی بشر است، نه کسی دیگر. از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کردند، که منظور از «مُنْدِر» و «هَادِي» در آیه

۱. شفا، الهیات، مقاله دهم، فصل دوم و نجات، چاپ دانشگاه تهران، ص ۷۱۰، به نقل از؛ فلسفه امامت، سید یحیی یثربی، ص ۱۱۱.

شریفه: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۱ چیست؟

«... فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُنذِرُ وَلِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ نَبِيُّ اللَّهِ، ثُمَّ الْهُدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ»^۲

«امام باقر علیه السلام فرمودند: «منذر، (بیم دهنده) پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و برای مردم در هر عصری از ما اهل بیت هدایت‌گری می‌باشد که آن‌ها را به آنچه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده‌است، راهنمایی و هدایت می‌کند، رهبران بعد از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اول علی علیه السلام است و پس از ایشان جانشینانش یکی پس از دیگری هادی مردم هستند.»

گرچه هدایت‌گری از جمله شؤون امام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، ولی با کمی تأمل و دقت به نتیجه کار، یعنی هدایت‌پذیری که نجات امت اسلامی از گمراهی را در پی دارد، در می‌یابیم که این مقوله از جمله آثار امامت هم بشمار می‌رود.

امام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حجت خدا بر خلق

بدیهی است، انسان‌ها را که دائماً در معرض خطا و نسیان بوده، گرفتار شهوت، غضب، هوا و هوس می‌باشند، نمی‌توان بدون هدایت و اتمام حجت، مؤاخذه نمود، و مستحق کیفر و عذاب الهی دانست، و این عامل هدایت، وقتی می‌تواند در مسیر حرکت انسان‌ها مؤثر باشد که از طرق مختلف، از جمله با معرفی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یا امام قبل از خود و نیز بوسیله معجزه و کرامت برای مردم قابل شناسایی باشد. و امام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن کسی است که رسالت

۱. سوره رعد، آیه ۷، (تو هشدار دهنده‌ای و هر گروهی را رهبری است).

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۲، ح ۴۹۷، و نیز روایت‌های ۴۹۶، ۴۹۸ و ۴۹۹.

هدایت مردم را بعهده داشته، و به آنها معرفی شده، و از علائم امامت برخوردار باشد. در این صورت است که حجّت خدا بر خلق می‌باشد. و موجب سقوط هرگونه عذر و بهانه متخلفان می‌گردد.

در این رابطه از امام ششم، هفتم و هشتم علیهم‌السلام چنین روایت شده، که فرمودند:

«...إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّى يُعْرَفَ»^۱

«همانا حجّت خدا بر خلقش تمام نگردد، جز بوجود امام علیه‌السلام تا شناخته شود».

توضیح این‌که؛ خداوند در قیامت نمی‌تواند به مردم بگوید چرا چنین کردید و چنان نکردید، مگر این‌که در دنیا برای آنها امام و پیشوایی فرستاده، که بانصوص و معجزات، امامت او برای مردم ثابت شده باشد و وظایف مردم را به آنها رسانده، خدا و دین را برای آنان معرفی و ابلاغ کرده باشد. در غیر این صورت قبح عقاب بلا بیان پیش می‌آید.

نتیجه کوتاهی در شناخت و پذیرش امام علیه‌السلام

با عنایت به ضرورت شناخت امام نور علیه‌السلام اگر کسی در انجام این وظیفه سنگین قصور کند، بی‌شک دینداری، اعمال و عباداتش هر چند سنگین و پر زحمت باشد، بدون پذیرش و پیروی از رهبری معصوم علیه‌السلام، ارزش و قدر و منزلتی ندارد. بلکه موجب گمراهی و حیرت نیز خواهد شد. انسان بایستی

۱. همان، ج ۱، ص ۲۵۰، حدیث‌های ۴۳۸ - ۴۴۱. و نیز؛ ح ۴۴۲، که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: حجّت خدا پیش از نخلق بوده، و با خلق می‌باشد، و بعد از خلق هم خواهد بود.

اولاً خودش طالب شناخت امامش باشد، سپس با همت عالی تلاش در زمینه کسب معرفت نماید تا قرین عنایت خداوند نیز گردد.
ذره را تا نبود همت عالی حافظ

طالب چشمه خورشید درخشان نشود

در این رابطه به حدیث ذیل توجه فرمایید:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهُ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيئُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ، وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَاللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ...»^۱

«محمد بن مسلم می گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمودند: هر که دین داری خدا کند با عبادتی که خود را در آن عبادت به زحمت افکند ولی به رهبر و پیشوایی از جانب خدا، معتقد و وابسته نباشد، سعی و تلاش او مقبول درگاه حق نبوده، و او گمراه و سرگردان شده، و اعمالش مورد پسند خداوند قرار نخواهد گرفت.»

در «اصول کافی» بابی در این خصوص، شامل چند حدیث با تعبیرهای دیگر آمده است.^۲

۱. همان، ج ۲، ص ۲۰۴، ح ۹۶۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۰۶، حدیث های ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۸.

■ فصل هفتم

امامت مهدی موعود علیه السلام

پیشینه مهدی باوری

... مسلمانان از سپیده دم طلوع خورشید اسلام تا کنون، حقایق بشارت نبی مکرم اسلام ﷺ به ظهور مردی از خاندان شریف خود در آخر الزمان به نام مهدی علیه السلام را باور داشته‌اند، همو که پس از پر شدن جهان از ظلم، ستم و بی عدالتی، عدل و قسط را بر پهنه این کره خاکی خواهد گسترد ان شاء الله. بنابراین چشم‌انتظاری و لحظه‌شماری برای ظهور مهدی موعود علیه السلام در طول قرون متمادی در میان آحاد امت اسلامی استمرار یافته و مسلمانان بر این عقیده پای فشرده‌اند و تنها افراد انگشت‌شماری از پیکره جامعه اسلامی جدا گشته و دچار انحراف شده و نسبت به عقیده مقدس و سازنده راه خطا پیموده‌اند. انحرافی که محصول تقلید منفعلانه از نوشته‌ها و نظرات خالی از حقیقت و مغرضانه مستشرقان بوده است...^۱

«مهدی باوری» ایده فرا اسلامی و جهانی

ایده ظهور منجی بزرگ که با خروج خود، عدل و قسط، و گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان، به ارمغان خواهد آورد و به

۱. ر.ک؛ کتاب «در انتظار قنوس»، ص ۴۳، ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده.

باشد (که برخی فریب خوردگان چنین پنداشته‌اند) زیرا نظایر چنین وحدت نظر جهان شمولی عادهً بدون وجود سند و دلیل عقل پسند و معتبر صورت نمی‌پذیرند....

اما با این همه باید گفت: بعید نیست که خاستگاه اعتقاد اهل کتاب به ظهور منجی در آخر الزمان، بشارت کتاب‌های آسمانی ایشان به آمدن مهدی اهل بیت علیهم السلام باشد. همان‌گونه که بشارت به نبوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در کتب ایشان آمده بود. لیکن پیروان هواپرست آن ادیان، از روی لجاجت و تکبر، این بشارت را مخفی ساختند، مگر عده اندکی...

از جمله مواردی که ما را به سوی مدّعی پیش گفته رهنمون می‌گردد، فقراتی در اسفار تورات است که در آن‌ها به ظهور مهدی اهل بیت علیهم السلام در آخر الزمان اشاراتی رفته است. نمونه‌های زیر شایان توجه است:

۱. ابو محمد الاردنی نویسنده عرب زبان از «سفر ارمیا» چنین نقل می‌کند: ای اسب‌ها به فراز آید و از ابه‌ها را از جای بر کنید. باید که سلحشوران به پا خیزند؛ کوش و قوط آن دو سپرگیر و لودیان آن کمان‌کشان، امروز روز آن آقاست که صاحب الامر سپاهیان است، امروز روز انتقام است، انتقام از دشمنان و بد خواهان وی... زیرا برای آن سرور... در سرزمین شمال و نزد رود فرات، یک قربانی مهیا گشته است.^۱

۲. محقق اهل سنت سعید ایوب، در کتاب خود المسیح الدجال چنین آورده است: کعب می‌گوید: در کتب پیامبران آمده است که در کردار مهدی هیچ عیب

۱. الکتاب المقدس تحت المجهر، ابو محمد الاردنی، ص ۱۵۵، به نقل از همان، ص ۴۸.

و نقصی نیست. سپس خود سعید ایوب در پی نوشت آن می نویسد:

شهادت می دهم که این مطلب را به همین صورت در متون مقدس اهل کتاب یافته‌ام. اهل کتاب اخبار و روایات مهدی را چونان اخبار جَدِّ بزرگوارش رسول الله ﷺ دنبال کرده‌اند. اخبار «سفر رؤیا» از بانویی یاد می‌کند که از نسل وی ۱۲ مرد به وجود می‌آید. سپس از بانوی دیگری نام می‌برد که دوازدهمین مرد را به دنیا می‌آورد و از نسل آن بانوی نخستین است و از احاطه خطرها به این خانم خبر می‌دهد...^۱

موارد دیگری در کتب مقدس سایر ادیان وجود دارد که به وعده الهی در مورد مهدی موعود ﷺ اشاره دارند، منتخبی از آن‌ها را مرور می‌کنیم:

الف) کتب مقدس یهودیان

در فصل هفتم کتاب «حقوق» نبی آمده است:

«...و اگر چه تأخیر کند، برایش منتظر باش؛ زیرا البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد، بلکه جمیع امت‌ها را نزد خویش جمع می‌کند و تمامی را برای خویش فراهم می‌سازد».

در فصل سوم کتاب «صفیناه» نبی چنین می‌خوانیم:

«در آن وقت برگردانم به قوم‌ها، لب پاکیزه برای خواندن همه به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش».

۱. المسيح الدجال، سعید ایوب، ص ۳۷۹، ۳۸۰ (نقل از سفر رؤیا، ۱۲، ۱۳)؛ به نقل از همان، ص ۴۹.

ب) اناجیل نصاری

در فصل دوازدهم انجیل «لوقا» این عبارت را می بینیم:

«کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته دارید و مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند... تا هر وقت بیاید و در را بکوبد، بی‌درنگ در را برای او باز کنید... زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.»

در فصل دوازدهم مکاشفات «یوحنا ی لاهوتی» آمده است:

«و آن مولود به منظر حفاظت قطعی از دستبرد اهریمنان، برای یک زمان و دو زمان و نصف زمان، از نظر پنهان شد.»

ج) کتب مقدس زردشتیان

جاماسب در جاماسب نامه از قول «زرتشت» نبی چنین حکایت می‌کند:

«مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگی سر، بزرگ تن و بزرگ ساق و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را داد کند.»

در ادامه، این فقره صریح و تکان دهنده را می‌خوانیم:

«و از فرزندان دختر آن پیامبر که خورشید جهان و شام [شاه] زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد. در میان دنیا که مکه باشد و دولت او به قیامت متصل شود.»

د- کتب مقدس هندوان

در کتاب «شاکمونی» آمده است:

«پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان کشن بزرگوار تمام شود، او کسی باشد که بر کوه‌های شرق و غرب دنیا حکم براند و فرمان دهد... دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او ایستاده، (قائم) باشد»^۱. چنانچه مقداری پیرامون توافق شگفت آور اکثر ملل بر عقیده منجی باوری اندیشه شود، به یقین این نتیجه به دست خواهد آمد که در ماورای عالم هستی، حکمت عظیم و شگرفی دست در تدبیر این جهان دارد که انسان برای مقاومت در برابر انحرافات و ستم‌ها و سرکشی‌هایی که مشاهده می‌کند تنها از آن مدد می‌طلبد و از آنجا که چنین انسان مؤمنی چشم امید به حاکمیت عدالت دوخته، هیچ‌گاه دچار یأس و سرخوردگی نمی‌شود.

اما در خصوص اختلاف شرایع پیشین و ملل گذشته در تشخیص نام منجی موعود، نیز باید گفت چنین اختلافی هرگز نمی‌تواند موجب انکار بشارت رسول مکرم اسلام ﷺ باشد. به لحاظ این که خود شریعت مقدس اسلام این مسئولیت را بر عهده گرفته و نام و نسب و ولادت و اوصاف و نحوه رفتار و منش او و همچنین نشانه‌ها و علائم ظهور و روش حکمرانی وی را برای مردم به دقت بیان فرموده، تا جایی که اخبار آن به حد تواتر رسیده و به علت کثرت راویان اهل سنت، انتشار در خور توجهی یافته، به نحوی که بزرگان و حافظان حدیث و فقیهان عامه را به تصریح واداشته، که از میان اصحاب پیامبر ﷺ پنجاه نفر این احادیث را از حضرتش روایت کرده‌اند. برای مدلل

۱. کتاب در انتظار ققنوس، علیزاده، مهدی، صص ۵۷-۵۸، (نقل از بشارت عهدین، محمد صادقی، صفحات، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۷).

ساختن اشتباه اهل کتاب و ملل مختلف در تعیین اسم منجی به دلیل دیگری نیاز نیست.^۱

اینک به بیان اختلافی می‌پردازیم که در تعیین اسم امام مهدی علیه السلام میان امت اسلامی و دو گروه شیعه و سنی وجود دارد. بی‌شک در این اختلاف هیچ مؤیدی برای پندار مستشرقان و مقلدان آنها یافت نمی‌شود بلکه اتفاقاً وجود این اختلاف دلیلی خلل‌ناپذیر علیه آنان به شمار می‌رود زیرا چنین اختلافی از قبیل نزاع بر سر جزئیات یک پدیده یقینی الوجود است. مانند اختلاف نظر فرق مسلمانان بر سر قدیم یا حادث بودن قرآن کریم، در حالی که همگی ایشان یکپارچه بر کفر منکر قرآن حکم می‌رانند. سایر اختلافات ایشان در جزئیات برخی عقاید دیگر نیز چنین است.^۲

مژده ایـدل که مسیحا نفسی می‌آید

که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید

از غم و درد مکن ناله و فریاد که من

زده‌ام فـالی و فریاد رسی می‌آید

ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس

موسی اینجا بسامید قسبی می‌آید

۱. توضیح این‌که؛ مهدی موعود علیه السلام در زبان‌های دیگر به «گرساسیه»، «وشینو»، «ارتور»، «مهمیده» و نامها و القاب دیگر خوانده شده است. به کتاب نجم الثاقب مراجعه شود. در آنجا بیش از یک‌صد و هشتاد اسم برای حضرت ذکر کرده‌است؛ به نقل از کتاب امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ج ۲، ص ۲۶.

۲. اقتباس از؛ همان، ص ۵۱.

هیچکس نیست که در کوی تو اش کاری نیست
هرکس اینجا بامید هوسی می آید
دوست را گر سر پرسیدن بیمار غم است
گو بیا خوش که هنوزش نفسی می آید

سیمای مهدی موعود علیه السلام در آینه ثقلین

منجی موعود در قرآن

در اینجا سؤالی مطرح می شود: مهدویت اگر صحت داشت، باید در قرآن کریم ذکری از آن به میان می آمد، در حالی که حتی لفظ مهدی علیه السلام هم در آن کتاب آسمانی دیده نمی شود.

در پاسخ می گوئیم:

اولاً لازم نیست هر موضوع صحیحی با تمام خصوصیات و مشخصاتش در قرآن بیان شده باشد. چه بسیار مطالب صحیح و درستی داریم که اصلاً قرآن کریم متعرض آن نشده، و چه بسیار احکام و موضوعات کلی وجود دارند که قرآن کریم بیان داشته ولی جزئیات آنها توسط ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مفسر و مبین وحی بیان شده است.

ثانیاً آیاتی چند، در کتاب خدا وجود دارند که نوید به روزی می دهند که حق پرستان و حزب الله و مؤمنان به دین و مردم شایسته جهان، قدرت و حکومت

روی زمین را به دست می‌گیرند و دین اسلام بر تمام ادیان غالب می‌گردد.^۱
بدون شک قرآن، اعتقاد مسلمانان به ظهور حضرت مهدی علیه السلام را که به صورت متواتر از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از طریق شیعه و سنی بیان شده، با آیاتی ولو به طور کلی و اجمال مورد تأیید قرار داده، آیاتی که توسط معصومین علیهم السلام به مهدی موعود علیه السلام تفسیر شده است و بسیاری از مفسران نیز آن‌ها را بر امام مهدی علیه السلام تطبیق نموده‌اند.

و از سوی دیگر شکی نیست که بنا بر نص حدیث ثقلین که نزد شیعه و سنی متواتر است، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عدل و همتای قرآن هستند، از این رو آیاتی را که ایشان بر ظهور مهدی موعود علیه السلام حمل فرموده‌اند، دلیل قرآنی برای اثبات مهدویت محسوب می‌گردد.

به عنوان نمونه به چندین آیه اشاره می‌شود:

۱- در سوره انبیا آیه ۱۰۵ می‌فرماید:

«ما بعد از آن‌که در تورات نوشته بودیم، در زبور نوشتیم که بندگان شایسته ما وارث زمین می‌شوند».^۲

۲- در سوره نور آیه ۵۵ می‌فرماید:

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و عمل شایسته انجام داده‌اند وعده داده که آنان را خلیفه زمین گرداند، چنان‌که گذشتگان‌شان را نیز قبلاً خلیفه گردانیده بود و دینی را که برایشان پسندیده است، استوار و نیرومند گرداند

۱. اقتباس از کتاب، دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۶۸

۲. «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون».

و ترس شان را به ایمنی تبدیل کند تا مرا عبادت کنند و چیزی را شریک قرار ندهند.^۱

۳- در سوره قصص آیه ۵ می فرماید:

«ما اراده کرده ایم که بر ضعفای زمین منت نهاده، پیشوا و وارث زمینشان گردانیم».^۲

۴- در سوره صف آیه ۹ می فرماید:

«او خدایی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر تمام ادیان غالب گردد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید».^۳

و همچنین آیات ۳۳ سوره توبه، ۵۱ سوره سبأ، ۶۱ سوره زحرف و ۱۵ سوره تکویر و...

این آیات و آیات دیگر علاوه بر استقرار دین خدا در سراسر زمین، بر آینده درخشان عالم دلالت دارند و بر حسب معتبرترین مدارک و تفاسیر و احادیث به تحول بی سابقه و بی نظیر و انقلابی که به رهبری و قیام حضرت مهدی علیه السلام و امام منتظر و موعود انجام خواهد گرفت، تفسیر شده است که، تعداد زیادی از این احادیث در کتاب های اهل سنت روایت شده؛ مثل کتاب «شواهد التنزیل» حاکم حسکانی که در آن دو بیست و ده (۲۱۰) آیه را که در شأن اهل بیت نازل شده جمع آوری کرده و متجاوز از هزار و صد و شصت (۱۱۶۰) روایت در رابطه با این موضوع روایت نموده است.

۱. «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لایشركون بی شیئاً».

۲. «و نرید ان نمنن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین».

۳. «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الذین کله و لو کره المشرکون».

و از جمله محدثین نامدار و علمای بزرگ، سید هاشم بحرانی در جمع
 آوری آیاتی که مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است، کتابی به نام «المحجة فیما
 نزل فی القائم الحجة» تألیف کرده است. وی در این کتاب متجاوز از یک
 صد (۱۰۰) آیه را با احادیثی که در تفسیر هر یک وارد شده، ذکر فرموده است.
 ای از درت بهشت برین کمتر آیتی
 کوثر ز خاک مقدم پاکت روایتی
 و الشمس ز آفتاب جمال تو پرتوی
 و اللیل از سیاهی مویت کنایتی
 اعجاز موسوی ز کمال تو شمه‌ای
 انفس عیسوی ز لبان تو آیتی
 ای عدل ایزدی فکن از رخ حجاب را
 کنز عدل و داد نیست اثر جز حکایتی
 چشم امید ما به تو ای رحمت خداست
 بر بندگان خاک درت کن عنایتی
 مسایم و ظل رایت لطف عمیم تو
 فردا که هر کسی برود زیر رایتی
 گر عاجزم ز مدح تو هرگز شگفت نیست
 من ذره و تو مهر سپهر هدایتی^۱

۱. صافی گلپایگانی، امامت و مهدویت، ج ۲، ص ۴۸، ۴۹. (اشعار از مرحوم آیه الله صافی، والد مکرم معظم له می باشد).

مهدی موعود علیه السلام در احادیث

تأملی زودگذر در احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام در کتب مسلمانان کافی است تا به متواتر بودن آنها از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یقین حاصل شود، به شکلی که کوچک‌ترین تردید باقی نماند، و لکن در این مختصر مجال ذکر آن احادیث با آن حجم عظیم نیست، فقط آمار گونه به ذکر راویانی که احادیث مربوط به مهدی موعود علیه السلام را در کتب خود آورده‌اند اشاره می‌کنیم:

الف) علما و محدثان اهل سنت، از متقدمین و متأخرین:

۱۶۴ تن از علماء اهل سنت در کتب خود احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام

را نقل کرده‌اند.

ب - علماء و محدثان شیعه:

اینان نیز بسیارند که به لحاظ این که ایده مهدویت در نزد ایشان از اصول اعتقادی مذهب تشیع به شمار می‌آید و به جهت اختصار نامی از ایشان نمی‌آوریم.^۱

راویان احادیث مهدی علیه السلام از صحابه

بیش از ۵۰ تن از صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را روایت کرده‌اند که نامشان در کتاب «در انتظار ققنوس» صفحه ۶۸ و ۶۹ بیان شده، در صورت لزوم مراجعه شود، به جهت اختصار در اینجا بیان نشده است.

۱. ر.ک؛ در انتظار ققنوس، صص ۶۵-۹۰.

در اینجا تنها به ذکر نام برخی از علماء بزرگ اهل سنت که بر صحت احادیث و تواتر آنها تصریح نموده‌اند بسنده می‌شود.

علمایی همچون: امام ترمذی، امام بیهقی، امام بغوی، ابن کثیر، قرطبی مالکی، ابن تیمیه، حافظ ذهبی، گنجی شافعی، ابن کثیر و طبرانی و....^۱

اخبار معصومین علیهم السلام از مهدی موعود علیه السلام

بعد از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله موضوع مهدویت، در بین مسلمین و اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام شایع و مورد بحث بود. اهل بیت پیغمبر علیهم السلام و حاملین علوم و اسرار نبوت، که از همه کس، به اخبار و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله آشناتر بودند، در باره مهدی موعود علیه السلام سخن می‌گفتند و به سئوالات پاسخ می‌دادند. در این خصوص از فاطمه زهرا علیها السلام و یازده امام علیهم السلام احادیث بسیاری (بالغ بر ۳۰۰ حدیث) به صراحت در خصوص ولادت، امامت، غیبت و ظهور مهدی موعود علیه السلام در کتب معتبر شیعه بیان شده، که به علت اختصار فقط حدیثی جالب از امام حسن عسکری علیه السلام در خصوص فرزند بزرگوارشان امام مهدی علیه السلام بسنده می‌شود و برای مراجعه به بقیه روایات در پاورقی آدرس بیان می‌گردد.^۲

امام حسن عسکری علیه السلام به موسی بن جعفر بغدادی فرمودند: «گویا شما را می‌بینم که در جانشین من اختلاف نموده‌اید ولی آگاه باشید هر کس به امام‌های بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله ایمان داشته باشد، اما امامت فرزند مرا منکر شود

۱. ر.ک؛ کتاب در انتظار قنوس، صص ۶۹-۹۰، ضمن بیان طرق احادیث، نام علمایی که بر

صحت و تواتر این احادیث تصریح کرده‌اند نیز ذکر شده‌است.

۲. دادگستر جهان، امینی، ابراهیم، صص ۵۵-۶۰. به نقل از کتب معتبر.

مانند کسی است که نبوت تمام پیغمبران را قبول کند ولی پیغمبری محمد رسول خدا ﷺ را انکار نماید، در صورتی که منکر آن حضرت مثل کسی است که تمام پیامبران را انکار کند، زیرا اطاعت آخرین امام ما مثل اطاعت اولین امام ماست. پس هر کس آخرین فرد ما را منکر شود مانند کسی است که اولین امام را انکار نموده باشد. بدانید که غیبت فرزندم به قدری طولانی می شود که مردم در شک واقع می شوند، مگر افرادی که خدا ایمانشان را نگهداری کند.^۱

ولادت حضرت مهدی موعود ﷺ

در اینجا سؤالی مطرح می شود که با قبول اصل وجود حضرت مهدی ﷺ که از موضوعات مسلم اسلام است، لیکن چه اشکالی دارد که بگوییم مهدی موعود ﷺ هنوز به دنیا نیامده و هر وقت اوضاع عمومی عالم مساعد شد، متولد خواهد شد؟!!

در پاسخ می گوئیم در فصول گذشته به واسطه براهین عقلی و نقلی اثبات شد که هیچ عصر و زمانی، زمین از حجت قائم خداوند خالی نخواهد ماند و... که فقدان امام با انقراض نوع انسان، همراه خواهد بود.

چنانچه این حدیث شریف به حدیث ثقلین (که از طریق فریقین به تواتر بیان شده است) و حدیث معروف و متواتر نبوی شریف ﷺ «من مات ولم يعرف امام زمانه...» و حدیث خلفای دوازده گانه اضافه گردد، بوضوح روشن

۱. بحار الانوار، مرحوم مجلسی، ج ۵۱، ص ۱۶۰ و اثبات الهداة، ج ۶، ص ۴۲۷؛ به نقل از

دادگستر جهان، ص ۵۹.

می‌گردد که اگر واقعاً مهدی علیه السلام متولد نشده باشد، بی‌شک و تردید واجب خواهد بود امام یازدهم (امام حسن عسکری علیه السلام) تا الآن در قید حیات باشند و نیز تا ظهور مهدی موعود علیه السلام آن منجی عالم بشریت، زنده بمانند. این در حالی است که کسی از مسلمانان معتقد به زنده بودن ایشان نبوده، بلکه به تولد حضرت مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ هـ ق و شهادت پدر بزرگوارشان در سال ۲۶۰ هـ ق و زنده ماندن فرزند ایشان تا هم اکنون معتقدند. برای اطلاع بیشتر از اعتراف علمای اهل سنت به ولادت مهدی موعود علیه السلام و شهادت پدر بزرگوارشان رجوع کنید به کتاب در انتظار ققنوس صص ۱۶۰ تا ۱۶۶ منابع مفصلاً بیان شده است.

معرفی مهدی موعود علیه السلام

در اینجا به مناسبت به فهرستی از احادیث معرفی حضرت مهدی موعود علیه السلام اشاره می‌شود:

- امامان دوازده نفرند، اولشان علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرشان مهدی علیه السلام است. ۹۱ حدیث

- امامان دوازده نفرند، و آخرشان مهدی علیه السلام است. ۹۴ حدیث

- امامان دوازده نفرند، نه نفرشان از نسل حسین علیه السلام و نهمی آنان قائم علیه السلام است. ۱۰۷ حدیث

- مهدی علیه السلام از عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله است. ۳۸۹ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد علی علیه السلام است. ۲۱۴ حدیث

- مهدی علیه السلام از اولاد فاطمه علیها السلام است. ۱۹۲ حدیث
- مهدی علیه السلام از اولاد حسین علیه السلام است. ۱۸۵ حدیث
- مهدی علیه السلام نهمین از اولاد حسین علیه السلام است. ۱۴۸ حدیث
- مهدی علیه السلام از اولاد علی بن الحسین علیه السلام است. ۱۸۵ حدیث
- مهدی علیه السلام از اولاد امام محمد باقر علیه السلام است. ۱۰۳ حدیث
- مهدی علیه السلام از اولاد امام جعفر صادق علیه السلام است. ۱۰۳ حدیث
- مهدی علیه السلام ششمین اولاد امام جعفر صادق علیه السلام است. ۹۹ حدیث
- مهدی علیه السلام از اولاد موسی بن جعفر علیه السلام است. ۱۰۱ حدیث
- مهدی علیه السلام پنجمین فرزند موسی بن جعفر علیه السلام است. ۹۸ حدیث
- مهدی علیه السلام چهارمین اولاد علی بن موسی الرضا علیه السلام است. ۹۵ حدیث
- مهدی علیه السلام سومین اولاد امام محمد تقی علیه السلام است. ۹۰ حدیث
- مهدی علیه السلام از اولاد امام هادی علیه السلام است. ۹۰ حدیث
- مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. ۱۴۵ حدیث
- نام پدر مهدی علیه السلام حسن علیه السلام است. ۱۴۸ حدیث
- مهدی علیه السلام همنام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است. ۴۷ حدیث^۱
- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مهدی موعود علیه السلام از اولاد من و همنام و هم کنیه من می باشد، از حیث اخلاق و خلقت، شبیه ترین مردم به من است. غیبتی دارد که مردم در آن ایام سرگردان و گمراه می گردند. سپس مانند ستاره تابانی نمایان گشته، زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که از ظلم و ستم پر شده است.^۲

۱. ر.ک؛ منتخب الاثر، تألیف حضرت آیه الله صافی گلپایگانی، عین این احصائیه موجود است.

۲. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۸۷، به نقل از بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲.

چنانکه ملاحظه می‌فرمایید این احادیث به صورتی مهدی موعود علیه السلام را معرفی و توصیف نموده‌اند که جای هیچ‌گونه شک و تردیدی باقی نمانده است مگر برای آنان که فی قلوبهم مرض!!

باتوجه به این همه احادیث و اثبات امامت مهدی موعود علیه السلام و احادیثی در خصوص غیبت حضرت و وظایف شیعیان در زمان خطر غیبت و علائم ظهور آن حضرت و... که در کتب مفصل مربوط به مهدویت به تفصیل آمده و شواهد و مؤیدات تاریخی و صد در صد معتبر این دلیل، بسیار است که در این مختصر مجال بحث آن نیست، علی‌التحقیق در کمتر موضوعی از مسائل اعتقادی مانند اعتقاد به مهدویت زمینه ایمان و یقین و باور و استناد به احادیث و تواریخ و مؤیدات و شواهد فراهم است.

بنابر این، اختصاراً ادله وجود آن حضرت و امامت ایشان را در چند دلیل می‌توان به طور خلاصه عنوان کرد:

- ۱- خبر شخص امام حسن عسکری علیه السلام و خواص آن حضرت و اعلامیه‌های ایشان به بعضی از نقاط شیعه نشین مثل قم.
- ۲- تشرّف صدها نفر به زیارت حضرت مهدی علیه السلام در عصر پدر بزرگوارش و عصر غیبت صغری و عصر غیبت کبری.
- ۳- صدور معجزات و کرامات بسیار از آن حضرت در اثر توسلات، یا ضمن تشرّف افراد و به گونه‌های دیگر.
- ۴- اخبار متواتر و بشارت‌های حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در ضمن صدها حدیث معتبر که در کتاب‌هایی که قبل از ولادت آن حضرت و قبل از غیبت صغری تألیف شده، ضبط و روایت شده است.

۵- و بالاخره نقل تواریخ معتمد و کتاب‌های انساب، تا آنجا که بعضی از علمای عامه تشرّف به زیارت آن حضرت علیه السلام را ادعا کرده و در اظهار اشتیاق به سعادت دیدار و ظهور آن رهبر عدالت گستر اشعار سروده اند.

علاوه بر این دلایل، ادله دیگری نیز بر امامت آن حضرت اقامه شده است که به همین مقدار اکتفا می‌کنیم و علاقمندان را به کتاب‌های بزرگ، مانند «کمال الدین صدوق، غیبت نعمانی، غیبت شیخ طوسی، و منتخب الاثر، نجم الثاقب و کشف الاستار» و کتاب‌های دیگر ارجاع می‌دهیم. و از خداوند متعال تعجیل در فرج و ظهور امر آن حضرت علیه السلام و نجات جهان را از این نگرانی‌ها و اضطرابات و توطنه‌ها و جنایات شرق و غرب و رژیم‌ها و مکتب‌های منحرف مسئلت می‌نماییم.^۱

در پایان متذکر می‌شود که ایمان و پیوند با ولایت، همانند نیّت، باید در سراسر اعمال و رفتار و عبادات انسان، جریان مستمر داشته، و لحظه‌ای مورد غفلت قرار نگیرد. هرگاه که از تسلیم به ولایت غفلت کنیم، رابطه فیض و عنایت را میان خود و خدا نادیده گرفته‌ایم. و زیانش بسی بزرگ و جبران ناپذیر است.

بایستی همواره پناه به خدا ببریم و از درگاهش ثبات قدم در دین و پایداری در ولایت، حسن عاقبت و رستگاری دنیا و آخرت را در سایه ولایت و امامت ائمه هدی علیهم السلام طلب کنیم.

به عنوان حسن ختام کتاب، در این راستا به فرازهایی از دعای منقول از شیخ ابو عمرو رضی الله عنه اولین نائب خاص امام عصر علیه السلام که سیدبن طاوس رضی الله عنه در جمال الاسبوع، و مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضی الله عنه به نقل از سید؛ در مفاتیح

۱. امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی، لطف الله، ص ۹۴، ۹۵.

الجنان آن را ذکر فرموده، و به خواندن آن در زمان غیبت امام عصر علیه السلام بسیار سفارش شده است، توجه و دقت فرماید:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لَوْلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وِلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،... فَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ،... وَثَبِّتْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ،... اللَّهُمَّ لَا تُجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تُجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،... فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي،... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^۱.

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی است.

شرح این هجران و این خون جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر

۱. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی رحمته الله، ص ۱۰۶۶، دعاء در غیبت امام زمان علیه السلام چاپ تهران:

انتشارات بلاغت، چ اول، ۱۳۷۹.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی.
۲. مفاتیح الجنان، حاج شیخ عباس قمی رحمته الله، ترجمه، مرتضی احمدیان، با تصحیح پنج تن از فضیله حوزة علمیه قم، چاپ اول، تهران، انتشارات بلاغت، ۱۳۷۹ ش.
۳. استادی، رضا، امامت، چاپ سوم، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۸ ش.
۴. امینی، ابراهیم؛ دادگستر جهان؛ چ ۲۵، قم: انتشارات شفق، ۱۳۸۱.
۵. راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین محمد بن الفضل، مفردات راغب، چاپ دوم، مصر، انتشارات نشر الکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۶. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ امامت و مهدویت؛ چ ۲، قم: انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۸۰ ش.
۷. عمیدی، سید ثامر هاشم؛ در انتظار ققنوس؛ ترجمه و تحقیق: مهدی علیزاده؛ چ ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله، ۱۳۷۹. (ترجمه کتاب عربی المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی).
۸. کلینی رحمته الله، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ۴ جلدی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ج ۱، ۲، ۳، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، ۱۳۴۸ ش.

۹. محمدی ری شهری، محمد، فلسفه امامت و رهبری، چاپ هشتم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. مجلسی رحمته الله علیه، مولی محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله - شرح اصول کافی، ۲۶ جلدی، تصحیح سید هاشم رسولی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. مجله انتظار، «فصلنامه»، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مجموعه مقالات، مقاله مبانی اعتقادی مهدویت (۱)، از استاد دانشمند سید مسعود پور سید آقایی، چاپ دوم، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام پائیز ۱۳۸۰ ش.
۱۲. مطهری رحمته الله علیه، مرتضی، امامت و رهبری، ویرایش دوم، چاپ ۲۴، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. یثربی، سید یحیی، فلسفه امامت، چاپ اول، قم، انتشارات وثوق، ۱۳۷۸ ش.

کتابشناسی

کتاب ذیل پیرامون موضوع مقاله حاضر و بحث مهدویت می باشد در صورت تمایل برای استفاده بیشتر به آن‌ها مراجعه شود، مفید خواهد بود.

۱. حیدری شاهرودی، عزیزالله؛ حضرت مهدی تجسم امید و نجات؛ ویرایش: واحد تحقیقات جمکران؛ چ ۲، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۱.

۲. خسروشاهی، سید هادی؛ مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت؛ چ ۲، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.

۳. خسروی، موسی؛ امام حجّة بن الحسن العسکری صاحب الزمان؛ چ ۱، تهران: انتشارات کتاب‌فروشی و چاپخانه اسلامی، ۱۳۶۰.

۴. صدر، سیدرضا؛ راه مهدی؛ به اهتمام سید باقر خسروشاهی؛ چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۵. صرفی، محمدتقی؛ آیا به یاد امام زمان هستید؟؛ چ ۱، قم: انتشارات محدث، ۱۳۸۱.

۶. طبرسی نوری، میرزا حسین؛ نجم الثاقب؛ ویرایش: مسجد جمکران؛ چ ۴، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰.

۷. طبسی، نجم الدین؛ چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام؛ چ ۳، اول این ناشر، قم: بوستان کتاب قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۸. علامه مجلسی، محمد باقر؛ مهدی موعود (ترجمه جلد ۱۳ بحار)؛ ج ۱؛ مترجم: حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای؛ چ ۲، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹.
۹. مجموعه مقالات، تخصصی مهدویت مرکز قم؛ ره توشه مهدی یاوران؛ جمعی از محققان تخصصی مهدویت؛ چ ۱، قم: انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، ۱۳۸۱.
۱۰. مرکز تخصصی مهدویت، جمعی از فضلا؛ مجله انتظار، ش ۴؛ مقاله: مجید حیدری نیک؛ چ ۱، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۱.
۱۱. مرکز تخصصی مهدویت، جمعی از فضلا؛ مجله انتظار؛ ش ۲، مقاله: آقای رحیم کارگر؛ چ ۱، قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۰.
۱۲. مسجد مقدس جمکران قم، واحد تحقیقات؛ وظایف منتظران؛ چ ۲، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ حکومت جهانی مهدی علیه السلام؛ چ ۱۱، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰.
۱۴. مولوی نیا، محمدجواد؛ شناخت امام عصر علیه السلام؛ چ ۱، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، ۱۳۸۰.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱۵ - قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی
خط نیریزی / الهی قمش‌های
- ۱۶ - قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی)
خط عثمان طه / الهی قمش‌های
- ۱۷ - قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه)
خط عثمان طه
- ۱۸ - قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل)
خط عثمان طه / الهی قمش‌های
- ۱۹ - قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی)
خط نیریزی / الهی قمش‌های
- ۲۰ - کلیات مفاتیح الجنان / عربی
انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۲۱ - کلیات مفاتیح الجنان / (وزیری، جیبی، نیم جیبی)
خط افشاری / الهی قمش‌های
- ۲۲ - منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی)
خط افشاری / الهی قمش‌های
- ۲۳ - منتخب مفاتیح الجنان / (جیبی، نیم جیبی)
خط خاتمی / الهی قمش‌های
- ۲۴ - نهج البلاغه / (وزیری، جیبی)
سید رضی رضی الله عنه / محمد دشتی
- ۲۵ - صحیفه سجادیه
ویرایش حسین وزیری / الهی قمش‌های
- ۲۶ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام
واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- ۲۷ - آئینه اسرار
حسین کریمی قمی
- ۲۸ - آثار گناه در زندگی و راه جبران
علی اکبر صمدی
- ۲۹ - آخرین پناه
محمود ترحمی
- ۳۰ - آخرین خورشید پیدا
واحد تحقیقات
- ۳۱ - آشنایی با چهارده معصوم (۲ و ۱) / شعر و رنگ آمیزی
سید حمید رضا موسوی
- ۳۲ - آقا شیخ مرتضی زاهد
محمد حسن سیف‌اللهی
- ۳۳ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)
واحد پژوهش
- ۳۴ - ارتباط با خدا
واحد تحقیقات
- ۳۵ - از زلال ولایت
واحد تحقیقات
- ۳۶ - اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات
علی اصغر رضوانی
- ۳۷ - امامت، غیبت، ظهور
واحد پژوهش

- ۳۸- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام / علم الهدی / واحد تحقیقات
- ۳۹- امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق / سید محمد حسین کمالی
- ۴۰- امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیها السلام (روسی) / آلمات آبسالیکوف
- ۴۱- امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان / سهراب علوی
- ۴۲- امام شناسی و پاسخ به شبهات / علی اصغر رضوانی
- ۴۳- انتظار بهار و باران / واحد تحقیقات
- ۴۴- انتظار و انسان معاصر / عزیزالله حیدری
- ۴۵- اهمیت اذان و اقامه / محمد محمدی اشتهاوردی
- ۴۶- با اولین امام در آخرین پیام / حسین ایرانی
- ۴۷- بامداد بشریت / محمد جواد مروّجی طیبی
- ۴۸- بهتر از بهار/کودک / شمسی (فاطمه) وفائی
- ۴۹- پرچمدار نینوا / محمد محمدی اشتهاوردی
- ۵۰- پرچم هدایت / محمدرضا اکبری
- ۵۱- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تروریسم و خشنونت طلبی / علی اصغر رضوانی
- ۵۲- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جهاد و برده‌داری / علی اصغر رضوانی
- ۵۳- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق اقلیت‌ها و ارتداد / علی اصغر رضوانی
- ۵۴- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و حقوق زن / علی اصغر رضوانی
- ۵۵- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و صلح طلبی / علی اصغر رضوانی
- ۵۶- تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام / دو جلد / شیخ عباس صفایی حائری
- ۵۷- تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد / شیخ عباس صفایی حائری
- ۵۸- تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) / واحد تحقیقات
- ۵۹- تاریخ سیدالشهداء علیه السلام / شیخ عباس صفایی حائری
- ۶۰- تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام / سید جعفر میرعظیمی
- ۶۱- تشریف یافتگان (چهار دفتر) / میرزا حسین طبرسی نوری
- ۶۲- جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام / حسین علی‌پور
- ۶۳- چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام / حسین گنجی
- ۶۴- چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام / سید صادق سیدنژاد

- ۶۵- چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
- ۶۶- حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت
- ۶۷- حکمت‌های جاوید
- ۶۸- ختم سوره‌های یس و واقعه
- ۶۹- خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)
- ۷۰- خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)
- ۷۱- خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار)
- ۷۲- دار السلام
- ۷۳- داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام
- ۷۴- داغ شقایق (مجموعه اشعار)
- ۷۵- در انتظار منجی (روسی)
- ۷۶- در جستجوی نور
- ۷۷- در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)
- ۷۸- دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب‌های پيشاور)
- ۷۹- دلشده در حسرت دیدار دوست
- ۸۰- دین و آزادی
- ۸۱- رجعت یا حیات دوباره
- ۸۲- رسول ترک
- ۸۳- روزنه‌هایی از عالم غیب
- ۸۴- زیارت ناحیه مقدسه
- ۸۵- سحاب رحمت
- ۸۶- سخنرانی مراجع در مسجد جمکران
- ۸۷- سرود سرخ انار
- ۸۸- سقا خود تشنه دیدار
- ۸۹- سلفی‌گری (وهابیت) و پایخ به شبهات
- ۹۰- سیاحت غرب
- ۹۱- سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی
- احمد سعیدی
- محمد محمدی اشتهاودی
- محمد حسین فهیم‌نیا
- واحد پژوهش
- عباس حسینی جوهری
- رضا استادی
- محمد علی مجاهدی (پروانه)
- شیخ محمود عراقی میثمی
- حسن ارشاد
- علی مهدوی
- آلمات آبسالیکوف
- صافی، سبحانی، کورانی
- شیخ عباس قمی / کمره‌ای
- کریم شنی
- زهرا قزلقاشی
- محمد حسین فهیم‌نیا
- احمد علی طاهری ورسی
- محمد حسن سیف‌اللهی
- سید محسن خرازی
- واحد تحقیقات
- عباس اسماعیلی یزدی
- واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- الهه بهشتی
- طهورا حیدری
- علی اصغر رضوانی
- آقا نجفی قوچانی
- دکتر عبدالله

- ۹۲- سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دوجلدی)
- ۹۳- سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی
- ۹۴- شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشمس الطالعه)
- ۹۵- شمس وراء السحاب / عربی
- ۹۶- صبح فرا می رسد
- ۹۷- ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۹۸- عاشورا تجلی دوستی و دشمنی
- ۹۹- عریضه نویسی
- ۱۰۰- عطر سیب
- ۱۰۱- عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی
- ۱۰۲- علی علیه السلام مروارید ولایت
- ۱۰۳- علی علیه السلام و پایان تاریخ
- ۱۰۴- غدیر خم (روسی، آذری لاتین)
- ۱۰۵- غدیرشناسی و پاسخ به شبهات
- ۱۰۶- فتنه و هابیت
- ۱۰۷- فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام
- ۱۰۸- فرهنگ اخلاق
- ۱۰۹- فرهنگ تربیت
- ۱۱۰- فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (بخش)
- ۱۱۱- فوز اکبر
- ۱۱۲- فریادرس
- ۱۱۳- قصه های تربیتی
- ۱۱۴- کرامات المهدی علیه السلام
- ۱۱۵- کرامت های حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۱۶- کمال الدین و تمام النعمة (دو جلد)
- ۱۱۷- کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)
- ۱۱۸- گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)
- محمد امینی گلستانی
- محمد علی مجاهدی (پروانه)
- محمد حسین نائیجی
- السید جمال محمد صالح
- مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید
- سید اسدالله هاشمی شهیدی
- سید خلیل حسینی
- سید صادق سیدنژاد
- حامد حجّتی
- المقدس الشافعی
- واحد تحقیقات
- سید مجید فلسفیان
- علی اصغر رضوانی
- علی اصغر رضوانی
- علی اصغر رضوانی
- سید محمد واحدی
- عباس اسماعیلی یزدی
- عباس اسماعیلی یزدی
- حسن صدری
- محمد باقر فقیه ایمانی
- حسن محمودی
- محمد رضا اکبری
- واحد تحقیقات
- واحد تحقیقات
- شیخ صدوق علیه السلام / منصور پهلوان
- حسن بیاتانی
- علی اصغر یونسیان (ملنجی)

- ۱۱۹ - گفتمان مهدویت
- ۱۲۰ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات
- ۱۲۱ - امام فضیلت‌ها
- ۱۲۲ - مشکاة الانوار
- ۱۲۳ - مفرد مذکر غائب
- ۱۲۴ - مکیال المکارم (دو جلد)
- ۱۲۵ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ
- ۱۲۶ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه
- ۱۲۷ - منشور نینوا
- ۱۲۸ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات
- ۱۲۹ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات
- ۱۳۰ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی
- ۱۳۱ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد
- ۱۳۲ - مهربان‌تر از مادر / نوجوان
- ۱۳۳ - مهر بیکران
- ۱۳۴ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس)
- ۱۳۵ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا)
- ۱۳۶ - نجم الثاقب
- ۱۳۷ - نجم الثاقب (دو جلدی)
- ۱۳۸ - ندای ولایت
- ۱۳۹ - نشانه‌های ظهور او
- ۱۴۰ - نشانه‌های یار و چکامه انتظار
- ۱۴۱ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات
- ۱۴۲ - نماز شب
- ۱۴۳ - نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام
- ۱۴۴ - و آن که دیرتر آمد
- ۱۴۵ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات
- آیت الله صافی گلپایگانی
- مرحوم حسینی اردکانی
- عباس اسماعیلی یزدی
- علامه مجلسی علیه السلام
- علی مؤذنی
- موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- شیخ عباس قمی علیه السلام
- حسین ایرانی
- مجید حیدری فر
- علی اصغر رضوانی
- عزیزالله حیدری
- العمیدی / محبوب القلوب
- علامه مجلسی علیه السلام / ارومیه‌ای
- حسن محمودی
- محمد حسن شاه‌آبادی
- سید مهدی حائری قزوینی
- واحد تحقیقات
- میرزا حسین نوری علیه السلام
- میرزا حسین نوری علیه السلام
- بنیاد غدیر
- محمد خادمی شیرازی
- مهدی علیزاده
- علی اصغر رضوانی
- واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- محمد رضا اکبری
- الله بهشتی
- علی اصغر رضوانی

- ۱۴۶ - وظایف منتظران
 واحد تحقیقات
- ۱۴۷ - ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام
 سید نورالدین جزائری
- ۱۴۸ - هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی)
 میرزا احمد آشتیانی رحمته الله
- ۱۴۹ - همراه با مهدی منتظر
 مهدی فتلاوی / بیژن کرمی
- ۱۵۰ - یاد مهدی علیه السلام
 محمد خادمی شیرازی
- ۱۵۱ - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار)
 محمد حجتی
- ۱۵۲ - ینابیع الحکمة / عربی - پنج جلد
 عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره
 تلفن‌های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۲۵۱ - تماس حاصل نمایید.
 کتاب‌های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می‌گردد.

سایر نمایندگی‌های فروش:

تهران: ۰۲۱ - ۶۶۹۲۸۶۸۷، ۶۶۹۳۹۰۸۳

یزد: ۰۳۵۱ - ۶۲۸۰۶۷۱-۲، ۶۲۴۶۴۸۹

فریدونکار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲